



<https://jas.ui.ac.ir/?lang=en>

Journal of Applied Sociology

E-ISSN: 2322-343X

Vol. 34, Issue 3, No.91, Autumn 2023, pp. 65-88

Received: 25.12.2022 Accepted: 29.09.2023

Research Paper

Analysis of Social Factors Affecting the Phenomenon of Working Children in Mehrestan City

Naz Mohammad Ounagh

Assistant professor, Payam-e Noor University, Tehran, Iran
ounagh.n@pnu.ac.ir

Alireza Ghorbani * 

Assistant professor, Payam-e Noor University, Tehran, Iran
a.ghorbani@pnu.ac.ir

Moslem Soorzahi

Master of Sociology, Payam-e Noor University, Bojnourd, Iran
msorzahi@gmail.com

Introduction

Sociologists and researchers have an innate curiosity about the intricate tapestry of social challenges that arise as a consequence of rapid societal shifts. The impetus of growth and urbanization fueled by industrialization has ushered in transformative changes. It is essential, however, to recognize that within this paradigm shift, a complex array of challenges has taken root. At the forefront of these issues is the disheartening prevalence of working children, emblematic of the adverse consequences intertwined with societal evolution. Amid bustling urban landscapes where carefree play and laughter should define childhood, an alternate reality prevails. Rather than savoring the innocence of youth and investing in education for a brighter future, a disheartening number of children toil on the peripheries of sprawling cities. Robbed of their childhood, they grapple with poverty's weight and fall victim to injustice, casting a somber shadow over today's world (Afshani et al., 2011). The issue of working children is not an isolated matter; it is intricately woven into the fabric of Iranian society's evolving conditions and structural shifts. Over the decades, a complex interplay of factors has exacerbated this predicament. These include population growth, glaring socioeconomic disparities, entrenched poverty, and specter of unemployment. The allure of urban life coupled with the transition from tradition to modernity trigger migrations from rural areas to bustling cities. The disintegration of family bonds through divorce and the grip of addiction further compound this complex challenge (Mohrami, 2019). Child labor's proliferation is the consequence of intricate sociocultural and economic dynamics. Its ramifications reverberate across the society, hindering education and skill development, while sowing economic instability. Beyond these economic ramifications, child labor begets a host of societal maladies, from addiction and sexual exploitation to drug trade and criminal activities (Maghdas Jafari et al., 2012). In response, this research endeavored to unravel the societal factors fueling the surge of child labor in Mehrestan City. Two fundamental questions guided the research: What sociocultural factors catalyze the emergence of child labor? How should the significance and priority of these factors be assessed?

Materials & Methods

Methodologically, the research adopted a qualitative stance, employing an applied approach to data collection. Applying a cross-sectional framework, contingent on data acquisition timing, the entire working children population of Mehrestan City was the scope of this study. The research employed purposeful sampling, engaging in interviews with 20 working children until data saturation was reached. These semi-

structured interviews facilitated comprehensive data extraction.

Discussion of Results & Conclusion

Emerging from the labyrinth of data analysis were 8 prominent themes encapsulating the essence of the phenomenon of working children in Mehrestan City. These themes encompassed the insidious grip of addiction, pall of financial uncertainty, shadow of family violence, dynamics of migration, inadequate parental roles, educational disparities,

* Corresponding author

Ounagh, N., Ghorbani, A., & Soorzahi, M. (2023). Analysis of social factors affecting the phenomenon of working children in Mehrestan City. *Journal of Applied Sociology*, 34(3), 65-88.



subtle work subculture embedded within family networks, and vulnerabilities stemming from weak support infrastructures. Notably, the pivotal factors driving child labor included financial contributions to family expenses and parental employment status. A closely related facet was the persistent issue of insufficient family income coupled with family neglect and abuse. Collectively, these factors underpinned child labor predicament.

In conclusion, the research underscored the pivotal roles of sociological factors in child labor enigma in Mehrestan City. Addressing these factors head-on could alleviate the plight of these vulnerable children. Comprehensive strategies were essential, focusing on enhancing the economic standing of disadvantaged families and providing essential parenting education. Simultaneously, fostering sustainable employment, supporting local crafts through microeconomic

ventures, revitalizing agricultural industries, promoting educational equity, and developing resources for heightened parental awareness were the instrumental steps in dismantling child labor quagmire. Additionally, bolstering support organizations to aid needy families was crucial.

In the grand tapestry of societal progress, recognizing and confronting complexities is incumbent upon us. This research served as a clarion call, urging collective efforts to mitigate the harsh realities faced by working children in Mehrestan City. Harnessing insights from this study can steer societies toward nurturing environments that prioritize the well-being, education, and holistic development of their youngest members.

Keywords: Working Children, Parents' Employment Status, Neglect and Abuse, Low Income



مقاله پژوهشی

بررسی جامعه‌شناختی پدیده کودکان کار (مورد مطالعه: کودکان کار شهرستان مهرستان (سیستان و بلوچستان))

نازمحمد اونق، استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

ounagh.n@pnu.ac.ir

علیرضا قربانی*، استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

a.ghorbani@pnu.ac.ir

مسلم سورزهی، کارشناسی ارشد، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، بجنورد، ایران

msorzahi@gmail.com

چکیده

پدیده کودکان کار، یکی از آسیب‌های اجتماعی است که بروز و گسترش آن معلولی از عوامل گوناگون و در هم پیچیده اجتماعی و اقتصادی است و از طرفی خود، مولد آسیب‌های اجتماعی دیگر نیز به شمار می‌رود. این مقاله با هدف بررسی جامعه‌شناختی پدیده کودکان کار در شهرستان مهرستان انجام شده است. جامعه آماری شامل کودکان کار در شهرستان مهرستان بود. ۲۰ نفر از کودکان کار با روش نمونه‌گیری هدفمند تا رسیدن به حد اشباع اطلاعات به‌عنوان نمونه آماری تعیین شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و برای تجزیه و تحلیل آنها از روش تحلیل مضمونی استفاده شده است. داده‌ها در سه سطح کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند. برای اعتباریابی نتایج پژوهش مرور هم‌تا، مصاحبه‌شوندگان بازبینی کردند و بررسی انتقال‌پذیری را انجام دادند. نتایج نشان داد پدیده کودکان کار در شهرستان مهرستان با ۸ تم اصلی شامل اعتیاد، نداشتن امنیت مالی، خشونت خانوادگی، مهاجرت، ناکارآمدی والدین، تحصیلات، وجود خرده‌فرهنگ کار در شبکه خانوادگی، ضعف بنیادهای حمایتی و خدماتی شناسایی شدند. کمک به والدین در تأمین هزینه‌های خانواده با فراوانی ۱۹ (۶/۶۹) در رتبه اول و وضعیت شغلی والدین با فراوانی ۱۳ (۶/۶۳) در رتبه دوم و همچنین درآمد پایین خانواده و بی‌سرپرستی و بدسرپرستی خانواده با فراوانی ۱۱ (۵/۶۱) در رتبه سوم به‌عنوان مهم‌ترین عامل در ایجاد و گسترش پدیده کودکان کار در شهرستان مهرستان شناسایی شدند. نتیجه چنین بود که توجه به عوامل جامعه‌شناختی موجب کاهش کودکان کار در شهرستان مهرستان می‌شود و در این زمینه، بهبود اقتصادی خانواده‌های نیازمند و آموزش فرزندپروری و همچنین ایجاد اشتغال پایدار، توجه به صنایع دستی بومی در قالب بنگاه‌های اقتصادی کوچک، صنایع تبدیلی در حوزه کشاورزی، برقراری عدالت آموزشی، تدوین بسته آموزشی در جهت افزایش آگاهی والدین در فرزندپروری و تحت پوشش قرار دادن خانواده‌های نیازمند در سازمان‌های حمایتی در اولویت قرار دارند.

واژه‌های کلیدی: کودکان کار، وضعیت شغلی والدین، بی‌سرپرستی و بدسرپرستی، درآمد پایین.

* نویسنده مسئول

اونق، ن.؛ قربانی، ع. و سورزهی، م. (۱۴۰۲). بررسی جامعه‌شناختی پدیده کودکان کار (مورد مطالعه: کودکان کار شهرستان مهرستان (سیستان و بلوچستان)). جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۴(۳)، ۶۵-۸۸.



مقدمه

مسائل و آسیب‌های اجتماعی ناشی از تحولات سریع در جوامع انسانی، یکی از موضوعات مورد علاقه جامعه‌شناسان و اندیشمندان اجتماعی است. در واقع صنعتی شدن و به دنبال آن رشد و توسعه شهرنشینی، سرمنشأ تغییرات و تحولات فراوان و به تبع آن، بسیاری معضلات و مشکلات در سطح جوامع بشری بوده است. کودکان کار و خیابان نمونه بارز از این معضلات‌اند و از همین تغییرات ناشی می‌شوند. آنان به‌جای بازی و سرگرمی، تحصیل و کسب مهارت برای سنین بزرگسالی، در دامان شهرهای بزرگ اشتغال دارند، از تجربه دوران کودکی محروم مانده و قربانی فقر و بی‌عدالتی‌های موجود در جهان امروزند (افشانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۰).

پدیده کودکان خیابانی یک مسئله اجتماعی است که با شرایط و تحولات ساختاری جامعه ایرانی مرتبط است و در دهه‌های اخیر به علل گوناگونی از جمله افزایش جمعیت، نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی، فقر، بیکاری و مهاجرت‌ها به ویژه روستا-شهری، تغییرات در سبک زندگی به‌ویژه از سنتی به مدرن و خانواده‌های نابسامان (طلاق، اعتیاد و ...) افزایش یافته است (محرمی، ۱۳۹۷: ۱). پدیده کودکان کار یکی از آسیب‌های اجتماعی است که بروز و گسترش آن، معلولی از عوامل گوناگون و در هم پیچیده اجتماعی و اقتصادی است و از طرفی خود، مولد آسیب‌های اجتماعی دیگر نیز به شمار می‌رود. در واقع کار کودکان، جنبه‌های منفی اقتصادی و اجتماعی در خور توجهی را در بر دارد، به‌طوری که مانع جدی افزایش مهارت‌ها، آموزش و دانش می‌شود و درآمدهای بیمه‌های اجتماعی را کاهش می‌دهد؛ در نتیجه صدمه‌های جانی و مالی بالا می‌رود و انواع آسیب‌های اجتماعی شامل مسائل جنسی، اعتیاد، خرده‌فروشی مواد مخدر و بزهکاری به وجود می‌آید (مقدس جعفری و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۷).

طبق گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۰۰، حدود ۱۴۰-۱۰۰ میلیون کودک خیابانی در جهان وجود دارند که از این تعداد ۴۰ میلیون نفر در آمریکای لاتین، ۳۵ میلیون نفر در آسیا، ۱۰ میلیون نفر در آفریقا و بقیه در دیگر کشورها از جمله کشورهای پیشرفته به سر می‌برند (افشانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۸).

این تعداد در سال ۲۰۱۳ به ۱۶۸ میلیون کودک در جهان افزایش یافته است که ۸۵ میلیون نفر آنها به کارهای مخاطره‌آمیز اشتغال دارند. پس از کار در بخش کشاورزی که در حدود ۶۰ درصد اشتغال کودکان را شامل می‌شود، بخش مهمی از کودکان (۲۵/۴ درصد) در فعالیت‌های خدماتی مشغول به کارند و کار در خیابان نیز در همین گروه طبقه‌بندی می‌شود (وامقی، ۱۳۹۴: ۳۴). بر پایه آمارهای رسمی در ایران، یک میلیون و هشتصد هزار کودک کار می‌کنند، هرچند در آمارهای ایران به کودکان خیابانی و کودکانی اشاره نمی‌شود که هم درس می‌خوانند و هم نیمه‌وقت کار می‌کنند و یا کارهای کاذب انجام می‌دهند؛ اما یونیسف در گزارش خود درباره ایران آورده است که ۱/۳ درصد از کودکان ۶ تا ۱۴ ساله ایرانی کار می‌کنند و به مدرسه نمی‌روند (کلاتری و کیانی، ۱۳۸۵: ۲۹۱).

در حالی که ۱۲ ژوئن / ۲۲ خرداد «روز جهانی مبارزه با کار کودک» نام‌گذاری شده است، همچنان ۱۶۰ میلیون کودک کار در سراسر جهان وجود دارد. در کشور ما نیز طبق آمارهای موجود، ۷۰ هزار کودک کار (آمارهای غیررسمی حدود یک میلیون نفر است) زندگی می‌کنند که گفته می‌شود ۸۰ درصد آنها اتباع خارجی‌اند و ایرانی نیستند (همشهری آنلاین، ۱۴۰۱) و این مسئله در تعارض با موارد زیر است: ماده ۲۸ پیمان‌نامه حقوق کودک ناظر بر مسئولیت دولت برحق آموزش همه کودکان، ماده ۳۲ پیمان‌نامه حقوق کودک ناظر بر ضرورت حمایت کودک در برابر بهره‌کشی اقتصادی و مشاغل خطرناک، که مانع تحصیل و سلامت کودک می‌شود، ماده ۲۷ پیمان‌نامه حقوق کودک ناظر بر مسئولیت دولت در جهت کمک به والدین در تأمین شرایط زندگی لازم برای رشد کودک و همچنین ماده ۳۱ پیمان‌نامه حقوق کودک در زمینه به رسمیت شناختن حق کودک برای استراحت، داشتن اوقات فراغت، بازی کردن و انجام فعالیت‌های تفریحی مناسب با سن کودک و مشارکت آزادانه در زندگی فرهنگی و هنری (پیرخندان و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱۹).

چند دهه‌ای است که مسئله کار کودکی و کودکان کار به یکی از مسائل اصلی جامعه ایرانی تبدیل شده است. پژوهشگران بسیاری از جنبه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی،

فرهنگی، جغرافیایی و غیره، موضوع کودکان کار را بررسی کرده‌اند (اسکندری‌نژاد، ۱۴۰۰: ۲۳۶).

آمار شیوع کودکان خارج از مدرسه نگران‌کننده است، جایی که کودکان در ساعات مدرسه در حال تردد در ترافیک‌اند و بسیاری از این آنها در ازای پول اندکی، مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند (Chukwudeh & Akpovire, 2021: 3). نظر به اینکه کودکی دوران سرنوشت‌سازی در طول زندگی انسان به شمار می‌آید و تجربه آسیب‌های مختلف در این دوران به ناکامی‌هایی در دوران بزرگسالی منجر می‌شود، بررسی پدیده کودکان کار ضروری است؛ زیرا کودکان با کارکردن، از بیشتر فرصت‌ها (از جمله تحصیل و کسب مهارت، بهداشت و تغذیه مناسب و غیره) در زندگی محروم می‌شوند و اختلالات روانی، شخصیتی و اجتماعی بسیاری برایشان پیش می‌آید. کار کودکان از یک طرف مانع از تحصیل و رشد طبیعی آنها می‌شود و از طرفی بر سلامت جسمی و روحی آنان تأثیر می‌گذارد. اهمیت بررسی پدیده کودکان کار، زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم کار کودکان در خیابان و محیط‌های این‌چنینی برایشان خطرآفرین است، آنها را به سمت بسیاری از انحرافات اجتماعی نظیر بزهکاری، اعتیاد، خشونت و غیره می‌کشد و سرچشمه آسیب‌های دیگری برای جامعه می‌شود. به عبارت دیگر نه تنها کودکان از این طریق به بزهکاری روی می‌آورند و خود را در معرض انواع بیماری‌ها و آفت‌های اجتماعی قرار می‌دهند، مشکلاتی هم برای جامعه به وجود می‌آورند. از طرفی مسئله کودکان کار، به‌عنوان یکی از معضلات اجتماعی، در حال افزایش است و آمارها خبر از افزایش روزافزون این پدیده می‌دهند؛ بنابراین توجه علمی به این پدیده و انجام پژوهشی برای شناخت بیشتر این مسئله، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مهرستان با نام پیشین زابلی، یکی از شهرهای استان سیستان و بلوچستان ایران است. طبق آمار سال ۱۳۹۵، این شهرستان ۶۱۰۱ کیلومتر مربع مساحت و ۷۰،۵۷۹ نفر جمعیت دارد. مهرستان واقع در ۹۸ کیلومتری سراوان، ۶۰ کیلومتری سیب و سوران، ۱۲۰ کیلومتری ایرانشهر، ۱۲۰ کیلومتری سرباز و ۱۴۵ کیلومتری خاش است و از طریق شهرستان

سرباز، به بندر چابهار ارتباط دارد. گسترش کودکان کار در سیستان و بلوچستان، یکی از معضلات جدیدی است که به افزایش آسیب‌های اجتماعی منجر شده است. پژوهشی که به‌زیستی درباره بررسی وضعیت کودکان خیابانی انجام داده است، نشان می‌دهد ۳۰/۹ درصد کودکان خیابانی ۶ تا ۱۱ سال و ۹ درصد نیز زیر ۶ سال سن دارند (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۵). با توجه به اینکه محقق (نویسنده سوم) متولد و ساکن این شهرستان است، از نزدیک گسترش روزافزون این معضل اجتماعی را مشاهده کرده است. عمده‌ترین درآمد مردم در سال‌های اخیر از راه کشاورزی، کاسپی و کارگری بوده است؛ اما در چند سال اخیر، مردم با استقراض و فروش طلا و زمین، به خرید وسیله نقلیه (نیسان) اقدام کرده‌اند تا بتوانند در قاچاق سوخت فعالیت کنند، این موضوع یکی از دلایل ترک تحصیل بسیاری از دانش‌آموزان شده است که در قاچاق سوخت کنار پدران یا آشنایانشان فعالیت می‌کنند. آمار فزاینده پدیده کودکان کار در شهرستان مهرستان نگران‌کننده و نیازمند توجه مددکاران اجتماعی، جامعه‌شناسان، تصمیم‌سازان و برنامه‌ریزان حوزه‌های اقتصادی، جامعه‌شناختی و فرهنگی است. با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، با وجود آمار درخور توجه کودکان کار و تأییراتی که می‌تواند در آینده این کودکان و به‌طور کلی جامعه داشته باشد و همچنین فقدان پژوهش‌های کافی در پدیده کودکان کار در بستر همان اجتماع و فرهنگی که رخ داده است و نیز از دید کسانی که از نزدیک آن را لمس و با آن زندگی کردند، بررسی ابعاد گوناگون اجتماعی و فرهنگی کودکان کار، به‌ویژه با تأکید بر تجربه زیسته کودکان، ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر با توجه به تجربه کودکانی که درگیر این معضل اجتماعی‌اند، قصد تحلیل عمقی و موشکافانه این پدیده و بررسی لایه‌های گوناگون آن را دارد تا از این رهگذر، عوامل بروز و پیامدهای آن به‌صورت شفاف مشخص و با اطلاع‌رسانی نتایج این پژوهش‌ها به مسئولان امر، اقدامات و راهکارهایی پیش‌بینی شود و تا حد امکان، از پیامدهای منفی آن جلوگیری به عمل آید. به همین جهت و با توجه به دامنه اندک پژوهش‌هایی که در این زمینه

اعتیاد، خرده‌فروشی مواد مخدر و بزهکاری پیش می‌آید (مقدس جعفری و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۷).

نظریه بی‌سازمانی اجتماعی: نظریه انومی یا نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، در آرای دورکیم^۳، بنیان‌گذار علم جامعه‌شناسی، ریشه دارد، متأثر از رهیافت کارکردگرایی ساختی پارسونز^۴ و مرتون^۵، قائل به وجود ساخت و سازمان در جامعه است و واحدهای بزرگی همچون اقشار، گروه‌ها و طبقات اجتماعی را واحد تحلیل خود قرار داده است. این دیدگاه پیدایش مسائل اجتماعی را در نتیجه تعادل‌نداشتن ساختی و تعارض ساختی می‌داند (آرزومندی، ۱۳۹۰: ۴۵). از نظر مرتون، انومی یک درهم شکستگی ساختار فرهنگی است و زمانی این وضعیت پیش می‌آید که بین اهداف و هنجارهای فرهنگی (نیازها و ارزش‌های اجتماعی) و امکانات موجود در بستر هر قشر اجتماعی، تفاوت فاحشی وجود داشته باشد. در واقع در یک جامعه پایدار، یک تعادل بین اهداف اجتماعی - فرهنگی و راه‌های پذیرفته‌شده از سوی عموم مردم برای دستیابی به آنها وجود دارد و انومی وقتی شروع می‌شود که این رابطه تعادل به هم بخورد (داننا، ۱۳۹۰: ۲۳۵). بی‌سازمانی اجتماعی زمانی پدید می‌آید که همه اجزای سیستم اجتماعی به‌طور هماهنگ در مقابل نیازهای کارکردی و تغییرات محیطی، انطباق نمی‌یابند و از سوی دیگر در جریان تحولات سریع اجتماعی، امکانات و شرایط مساوی برای همه اقشار جامعه در انطباق با تغییرات محیطی فراهم نمی‌شود؛ بنابراین در چنین شرایطی، پدید آمدن اقشار آسیب‌پذیر جامعه، اجتناب‌ناپذیر می‌نماید (عاشوری، ۱۳۹۰: ۲۳). از عوامل مهم به وجود آمدن کودکان کار خیابانی عبارت‌اند از: فقر «اقتصادی»، اختلاف شدید طبقاتی و نبود عدالت اجتماعی، نرخ بالای بیکاری، افزایش بی‌رویه جمعیت در محله‌های حاشیه‌نشین شهرها، فقر فرهنگی خانواده‌ها، بی‌سوادی و کم‌سوادی، افزایش میزان طلاق، اعتیاد، فوت یک یا هر دو والد بر اثر سوانح طبیعی و یا اجتماعی، افزایش بی‌رویه مشاغل کاذب با

انجام شده است، طراحی پژوهشی در حوزه کودکان کار ضروری به نظر می‌رسد. نتایج این تحقیق برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان، جامعه‌شناسان، اقتصاددانان و... مفید است. همچنین وزارت آموزش و پرورش، معلمان و خانواده‌ها نیز می‌توانند از نتایج این پژوهش استفاده کنند؛ بنابراین پژوهش حاضر در صدد پاسخ به سؤالات زیر است: چه عوامل اجتماعی مسبب پدیده کار کودکان در شهرستان مهرستان‌اند؟ اهمیت و اولویت این عوامل به چه صورت است؟

پیشینه پژوهش

نظریه آسیب‌شناسی اجتماعی: ریشه‌های نظریه آسیب‌شناسی اجتماعی، به اندیشه‌های ارگانیک اسپنسر^۱ و حتی قدیمی‌تر از آن به آرای افلاطون، ارسطو و سنت آگوستین^۲ بازمی‌گردد. این نظریه متأثر از انگاره پوزیتیویستی تکامل‌گرایی و ایده ترقی در تفکر داروینیسیم اجتماعی و قائل به تشبیه جامعه به بدن موجود زنده است، وضعیت سلامت و بیماری بدنی را با وضعیت جامعه مقایسه می‌کند و معتقد است همان‌گونه که اگر یکی از اندام‌های بدن کارکرد خود را به درستی انجام ندهد، کل موجود زنده دچار اختلال، بحران و بیماری می‌شود، در صورتی که یکی از بخش‌های جامعه نیز نتواند کارکرد خود را به درستی ایفا کند، بیماری یا آسیب اجتماعی رخ می‌دهد. طبق نظریه آسیب‌شناسی اجتماعی، مسائل اجتماعی نتیجه بیماری جامعه و اختلال در کارکردهای نهادهای آن‌اند (ستوده، ۱۳۹۶: ۲۹). پدیده کودکان کار یکی از آسیب‌های اجتماعی است که بروز و گسترش آن معلولی از عوامل گوناگون و در هم پیچیده اجتماعی و اقتصادی است و از طرفی خود، مولد آسیب‌های اجتماعی دیگر نیز به شمار می‌رود. در واقع کار کودکان، جنبه‌های منفی اقتصادی و اجتماعی درخور توجهی را در بر دارد. این کار مانع جدی افزایش مهارت‌ها، آموزش و دانش می‌شود و درآمدهای بیمه‌های اجتماعی را کاهش می‌دهد. همچنین در پی آن، صدمه‌های جانی و مالی بالا می‌رود و انواع آسیب‌های اجتماعی شامل مسائل جنسی،

³ Durkheim

⁴ Parsons

⁵ Merton

¹ Spencer

² St. Augustine



پیشینه پژوهش

در پژوهش مقدم و همکاران (۱۴۰۱) با عنوان «کاوشی در فرآیند شکل‌گیری پدیدهٔ کودکان کار خیابانی و پیامدهای آن در شهر اهواز»، ۱۰ خرده‌مقوله، مسائل پیش روی خانواده پس از طلاق والدین، آسیب‌های روحی پس از طلاق در خانواده، مشوق‌های محیطی، آموزش و انتقال روش‌های کار در خیابان، کار کودک به‌مثابهٔ ابراز وجود، آسیب‌های اجتماعی کار کودک در خیابان، چالش‌های زمانی، رفتار دوگانهٔ مردم با کودک، گسست‌های کاری، آسیب‌های روحی کار کودک در خیابان و ۴ مقولهٔ اصلی، چالش‌های مابعد طلاق در خانواده، معاشرت افتراقی کودک، راهبرد گزینشی کار کودک در خیابان، پیامدهای فردی-اجتماعی کار کودک در خیابان و مقولهٔ هستهٔ کار کودک به‌مثابهٔ مقابله با وضع موجود بررسی شده است. بیرخندان و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهششان با عنوان «گونه‌شناسی کار کودکان و آسیب‌های ناشی از آن بر کودکان کار در شهر تهران» که به روش کیفی (تحلیل تماتیک) انجام دادند، نتیجه گرفتند که گونه‌های کار کودکان در هفت دسته، شامل کار کارگاهی، دست‌فروشی، کار در خیابان، زباله‌گردی، تکدی‌گری، کار کودکان خیابانی و همچنین کار پنهان کودکان سنخ‌بندی شده است. مرادی بیدهندی (۱۳۹۹) در پایان‌نامهٔ ارشد خود با عنوان «مطالعهٔ تجربهٔ زیستهٔ کودکان کار نسبت به کارشان؛ مطالعهٔ موردی شهر کاشان»، نتیجه گرفت که آنان با فرهنگ کارگری رشد می‌کنند، یعنی آموزش و تربیتی که نسل به نسل از پدرانشان انتقال می‌یابد. فقر مکانیسمی نیز عقلایی است که نسل به نسل انتقال می‌یابد. فرهنگ فقر، تجربهٔ زندگی فرودستان جامعه است. ملتفت و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهششان با عنوان «تحلیل وضعیت و پیامد عادت‌واره‌های کودکان از کار»، دریافتند که پارادایم ظهوریافته شامل سه بعد شرایط، کنش-تعامل‌ها و پیامدهاست. در بعد شرایط شامل ضرورتی‌گریزناپذیر و تلقی به‌عنوان هنجاری پذیرفته‌شده، شرایط نابسامان و از هم گسیختهٔ خانواده تقلیل‌گرایی نهادی، نادیده‌گرفتن در قوانین و نبود فهم متقابل، جامعه‌پذیری ناقص، تصویر مخدوش در آیینۀ دیگران، تلقی منفی کودک از

درآمد بالا، کم‌رنگ‌شدن فرهنگ مذهبی و ملی و سست‌شدن بنیان ارزش‌های اخلاقی و اعتقادی، فقدان آموزش و آگاهی عمومی، نبود تعادل اقتصادی، افزایش هزینه‌های زندگی، ناکامی اقتصادی و توزیع ناعادلانهٔ درآمد در جامعه (سورزهی، ۱۴۰۱: ۲۵). براساس نتایج تحقیق حسینی (۱۳۸۴)، عواملی چون نارسایی نهادهای اجتماعی‌کننده‌ای مثل خانواده و مدرسه، فقر اقتصادی خانواده‌های کودکان کار خیابانی و ناتوانی آنها در انطباق با شیوه‌های زندگی شهرهای بزرگ، آلودگی و آسیب‌زابدن محلات حاشیهٔ شهری، فقدان نظارت کافی از سوی سازمان‌های مسئول، و الگوهای نادرست کنش متقابل بین شهروندان و کودکان خیابانی، همه دست به دست هم داده‌اند تا پدیدهٔ کودکان کماکان مشکلی صعب‌العبور در بسیاری از شهرهای بزرگ کشور باشد.

نظریهٔ فرهنگ فقر: نظریهٔ فقر را لوئیس^۱ (۲۰۱۶) مطرح کرده است. این نظریه چهار فرضیهٔ اصلی دارد. فرضیهٔ نخست به بی‌سرپرستی و رهاشدگی این کودکان توسط خانواده‌هایشان اشاره دارد. فرضیهٔ دوم کودکان کار را به فقر مربوط می‌داند و نتیجهٔ فقر را رهاشدگی منفعلانه می‌داند. از این دیدگاه جبرگرا، خانواده‌های این کودکان به دلیل فقر، باز از انجام تعهدات اخلاقی خود نسبت به کودکانشان ناتوان‌اند و بنابراین مجبور به سوق‌دادن و رهاکردن آنان در بیرون از خانه‌اند. فرضیهٔ سوم، کودکان کار را نتیجهٔ مهاجرت از روستاها به شهرها و توابع آن، از جمله فقر و حاشیه‌نشینی و تغییر ساخت خانواده می‌داند که در این حالت کودکان کار، نتیجهٔ کنار گذاشته شدن خانواده‌ها هستند. فرضیهٔ چهارم کودکان کار را برخاسته از خرده‌فرهنگ‌های شهری بسیار حاشیه‌ای و منحرف می‌داند. لوئیس (۲۰۱۶) معتقد است فرهنگ فقر با ویژگی‌هایی مانند تقدیرگرایی، ناامیدی، پرخاشگری، درماندگی، وابستگی، خودکم‌بینی و گریزناپذیری فقر مشخص می‌شود (وامقی، ۱۳۹۴: ۳۵). «فقر» مهم‌ترین عامل است که کودکان را به محیط کار می‌کشاند؛ زیرا درآمد حاصل از کار کودک برای زندگی او و خانواده‌اش ضروری است (وامقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۹۴).

^۱ Lewis

جیوانی و همکاران^۱ (2021) در مطالعه خود با عنوان «تحلیل حقوقی قربانیان بهره‌کشی اقتصادی از کودکان زیر سن کار برای تحقق حمایت قانونی از جنبه حقوق بشر، مطالعه پژوهشی در اداره جامعه اجتماعی شهر و جامعه»، نتیجه گرفتند حمایت قانونی از کودکان قربانی استثمار اقتصادی مؤثر نبوده است؛ یعنی برای اجرای آن موانعی وجود دارد مانند اجرای قانون در کنترل کودکان، حل نکردن ریشه‌ای مشکل، صرفاً اقدام درمانی و پیشگیری نکردن از آن.

ژگان^۲ (2021) در پژوهشی با عنوان «تحلیل گفتمان پیرامون موضوع کار کودکان در جنوب جهانی»، دریافت که در آمریکای لاتین، حداقل دو روایت درباره موضوع کار کودکان وجود دارد که هر یک از آنها پیامدهای سیاسی و عملی مشخصی دارند. از یک سو، ما مفهوم اروپامحور را از آژانس‌های بین‌المللی در نظر می‌گیریم که مقوله‌های هژمونیک مربوط به دوران کودکی را ایجاد می‌کنند و از سوی دیگر، روایت پسااستعماری نیاز به ایجاد اشکال متفاوت کاندیداتوری را برای بررسی دوران کودکی راجع به نظام جهانی مطرح می‌کند. اگرچه این روایت ممکن است رویکرد نزدیک‌تری به واقعیت کودکان در حاشیه باشد، نتیجه آن، دفاع از کار کودکان به دلیل «عوامل فرهنگی» در نظر گرفته می‌شود که در طبیعی‌سازی و دیده‌نشدن آن نقش داشتند. در مجموع زمینه اقتصادی و اجتماعی و تحلیل مفاهیم ایدئولوژیک موجود در روایات درباره مقوله کار کودک برای توضیح نقش عوامل آن در آمریکای لاتین ضروری است.

امرسون و سوزا^۳ (2008) در مطالعه خود عوامل مؤثر بر کار کودکان را در کشور برزیل بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان داد احتمال حضور کودک در مدرسه یا کار تابعی از ترتیب تولد، جنس کودک بزرگ‌تر، سن کودک، نژاد کودک، تحصیلات پدر و مادر، سن والدین، و وضعیت روستایی یا شهری بودن خانواده است. در این مدل، زمان کودک صرف تحصیل یا کار می‌شود. آنا همچنین مشاهده کردند که احتمال اشتغال کودکان در

سازمان‌های رفاهی، هراس از آینده، فساد پنهان، ضعف تاب‌آوری، تلقی کودک از سازمان‌های حمایتی و در بعد کنش-تعامل فرار از موقعیت، تعامل اجتماعی راهبردی مراقبتی و ستیز با نگاه هنجاری ادراک می‌شود و دسترسی نداشتن چالش برانگیز به منابع و در بعد پیامدها، فضای اجتماعی انگ‌آلود علیه کار کودکان، محرومیت از حق تحصیل و آموزش، فساد پنهان است که حول یک مقوله هسته به نام احساس معلق‌بودگی کودکان کار و خیابان در فضای بی‌دفاع شهری شکل گرفته‌اند.

امیری (۱۳۹۵) در پایان‌نامه ارشد خود با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی تجربه زیسته کودکان کار خیابانی افغان در شهر اصفهان»، نتیجه گرفت که شرایط نابسامان اقتصادی و اجتماعی خانواده‌های این کودکان و از طرفی فرهنگ پذیرفته‌شده در زمینه کار کودک توسط آنان، موجب ورود کودکان به عرصه کار در خیابان شده و آنان را در این عرصه با مسائل مختلفی روبه‌رو کرده است. اندکی فستمی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه ارشد خود با عنوان «بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر کودکان کار خیابان (مورد مطالعه: کودکان کار شهر رشت)» نتیجه گرفت عواملی چون تعداد فرزندان خانواده، میزان درآمد خانواده، اعتیاد والدین، خشونت والدین علیه کودک، بر کار کودکان تأثیر می‌گذارد. آقاجان (۱۳۹۵) در پایان‌نامه ارشد خود با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر پیدایش کودکان کار در شهر تهران سال ۹۵»، دریافت که متغیرهای «وضعیت اشتغال والدین (بیکاری)»، «اعتیاد والدین»، «طلاق والدین»، «خشونت والدین»، «مهاجرت و حاشیه‌نشینی» رابطه مستقیم و مثبتی با متغیر وابسته «پدیده کودکان کار» دارند. متغیرهای حمایت اجتماعی و میزان درآمد خانواده نیز رابطه معکوس و منفی با این پدیده داشتند. عظیمی‌فر (۱۳۹۱) در پایان‌نامه ارشد خود با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر کار کودکان در شهر یاسوج و حومه در سال ۱۳۹۱»، نتیجه گرفت بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی، وضعیت سرپرستی، مهاجرت، بعد خانوار و ویژگی‌های فردی با کار کودک، رابطه معناداری وجود دارد.

¹ Geovani et al.

² Zsögön

³ Emerson & Souza



شو و همکاران^۴ (2019) در پژوهششان با عنوان «مبارزه با کار کودکان: مشوق‌ها و افشای اطلاعات در زنجیره‌های تأمین جهانی»، نتیجه گرفتند که اگر بازرسی‌های داخلی مقرون به صرفه باشد، یک شرکت جهانی با بازرسی تأمین‌کننده از کار کودک، میزان بروز کار کودکان را کاهش می‌دهد؛ در غیر این صورت، شرکت با ارائهٔ قیمت عمده‌فروشی به‌اندازهٔ کافی بالا، یا هم‌زمان با استفاده از بازرسی‌های داخلی و قیمت عمده‌فروشی متوسط، از استخدام کودک کار تأمین‌کننده جلوگیری می‌کند. استراتژی دوم تنها زمانی باید اتخاذ شود که اطلاعات مربوط به خط‌مشی بازرسی شرکت به‌طور معتبر اطلاع‌دانی باشد. این استراتژی زمانی به‌طور مؤثرتری با کار کودکان مبارزه می‌کند که جریمهٔ بالاتری برای استفادهٔ تأمین‌کننده از کار کودک وضع می‌شود.

دامرت و همکاران^۵ (2018) در پژوهششان با عنوان «اثرات سیاست عمومی بر کار کودکان: دانش فعلی، شکاف‌ها و پیامدهای طراحی برنامه»، نتیجه گرفتند که تصمیمات خانواده دربارهٔ کار کودکان تحت تأثیر درآمد، بی‌اطمینانی و بازگشت نسبی به کار و تحصیل است. با وجود پیچیدگی ادغام یافته‌ها در تعاریف مختلف کار کودک، زمینه‌های اجرایی و ابزارهای خط‌مشی، برخی الگوها ظاهر می‌شوند؛ برای مثال، برنامه‌هایی که کار کودکان را با کاهش آسیب‌پذیری خانواده بررسی می‌کنند، تأثیر مطلوب را به وجود می‌آورند. نقل و انتقالات در بیشتر موارد کار کودک را کاهش می‌دهد. به‌طور مشابه، برنامه‌هایی که به خانواده کمک می‌کند تا با قرارگرفتن در معرض خطر مقابله کند، مثل بیمهٔ سلامت، اتکای خانواده به کار کودکان را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، سیاست‌هایی با هدف افزایش مشارکت اعضای بزرگسال خانواده در بازار کار یا فعالیت‌های کارآفرینانه، تقاضا برای کار نوجوانان و کودکان را ایجاد می‌کند. البته، چنین برنامه‌هایی جزء مهمی از استراتژی‌های مبارزه با فقرند؛ اما می‌توان آنها را با مداخلات اضافی اصلاح و ادغام کرد تا اطمینان حاصل شود که آثار نامطلوبی بر کار کودکان ایجاد نمی‌کنند.

خانواده‌هایی بیشتر است که بعد بزرگ‌تری دارند و سن مادران نیز با کار کودکان پسر رابطهٔ منفی دارد.

لی و سخری^۱ (2020) در پژوهششان با عنوان «سرریزهای برنامه‌های تضمین اشتغال در کار و آموزش کودکان»، پیامدهای چنین برنامه‌های تضمین اشتغال برای انباشت سرمایهٔ انسانی کودکان را بررسی کردند. این طرح از گسترش تدریجی طرح ضمانت ملی اشتغال روستایی مهاتما گاندی هند (MGNREGA) برای مطالعهٔ تأثیر بر ثبت نام در مدارس و کار کودکان بهره می‌برد. معرفی MGNREGA به کاهش ثبت نام مدارس و کودکان دبستانی در مناطق تحت درمان منجر شد؛ اما احتمال اینکه کودکان مقاطع بالاتر تحت MGNREGA به مدرسه بروند، بیشتر است و آنها عملکرد تحصیلی ضعیف‌تری را نشان می‌دهند. داده‌های ملی اشتغال، شواهدی را نشان می‌دهد که افزایش کار کودکان آثار سوء غیرعمدی طرح‌های تضمین اشتغال برای سرمایهٔ انسانی را برجسته می‌کند.

خانام^۲ (2005) در پژوهش خود با عنوان: کار کودک در بنگلادش: روندها، الگوها و گزینه‌های سیاست دریافت: ترکیبی از سیاست‌ها برای کاهش کار کودکان مناسب است. این‌ها شامل طرح‌های ایجاد اشتغال است که منجر به رونق اقتصادی برای خانوارها می‌شود، تحصیل اجباری برای کودکان، یارانه ثبت نام در مدارس، بهبود زیرساخت‌های مدرسه، کیفیت آموزش، انعطاف‌پذیری در برنامه‌های مدرسه و کمپین‌های سوادآموزی بزرگسالان که آگاهی جامعه یا اجتماعی را به ویژه در مورد زن بالغ.

ابراهیم و همکاران^۳ (2019) در پژوهششان با عنوان «کار کودک و سلامت: مروری بر ادبیات سیستماتیک تأثیرات کار کودک بر سلامت کودکان در کشورهای با درآمد کم و متوسط»، نتیجه گرفتند که کار کودک با تعدادی از پیامدهای نامطلوب سلامت، از جمله رشد ضعیف، سوءتغذیه، بروز بیماری‌های عفونی و خاص، اختلالات رفتاری و عاطفی و کاهش کارایی مقابله با آنها مرتبط است.

¹ Li & Sekhri

² Khanam

³ Ibrahim et al.

⁴ Cho et al.

⁵ Dammert et al.



نامساعد خانواده، رغبت آنها را برای بازگشت کاهش می‌دهد؛ بنابراین، به جای اجرای برنامه‌هایی که هدفشان، بازگشت آنها به خانواده است، بهتر است استراتژی‌هایی در پیش گرفته شود که از زندگی امن، سالم و رو به رشد کودکان در خیابان حمایت می‌کند و وضع موجود این کودکان را در خیابان ارتقا می‌دهد. بارخاتوف و بوخارف^۵ (2001) مطالعه تجربی را به سفارش ILO در مسکو درباره کودکان خیابانی انجام داده‌اند که نشان می‌دهد عواملی از قبیل شرایط مسکن و سکونت، شرایط بهداشت، خطرات و تهدیدات، اذیت‌ها و آزارها، ارتباط با ارگان‌های حمایتی و قانونی، وضعیت تحصیل، منبع درآمد، اشکال مزد و پاداش، طول مدت و میزان حادثه بودن کار، در نحوه زندگی، کارکردن آنان، چگونگی بقا و سازگاری این کودکان تأثیر داشته است.

در جمع‌بندی مطالعات پیشین، باید گفت که بیشتر پژوهش‌ها در موضوع کودکان کار به روش پیمایش انجام و در آنها فقط بخشی از پدیده کودکان کار مطالعه شده است. اگرچه محققان تحقیقات ذکر شده، هدف‌های کاربردی را در اهداف تحقیقشان ذکر کرده‌اند، اما در عمل نتوانسته‌اند به اهداف خود دست یابند. پیمایش یکی از روش‌های پژوهش به شمار می‌آید، اما پدیده کودکان کار باید از جنبه کیفی نیز بررسی شود؛ زیرا این پدیده، عوامل پنهان نیز دارد و فقط از طریق پیمایش و تهیه پرسش‌نامه به دست نمی‌آید.

روش پژوهش

روش پژوهش برحسب هدف، کاربردی، براساس روش گردآوری داده‌ها و یا ماهیت و روش پژوهش، کیفی و بر پایه زمان گردآوری داده، مقطعی است. جامعه آماری شامل کلیه کودکان کار در شهرستان مهرستان بوده است. برای تعیین نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری هدفمند (تا رسیدن به حد اشباع اطلاعات) استفاده شده است. در پژوهش حاضر، داده‌ها پس از انجام مصاحبه با ۲۰ کودک کار به اشباع رسیدند. به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد.

بینابیک^۱ (2015) در تحقیق خود با عنوان «وضع قانون برای کودکان کار، یک گرایش ملی»، علاوه بر ارائه تحلیلی از وضعیت کار کودکان در هند، بر علل کار کودکان متمرکز بوده‌اند و نیز درباره راه‌حل‌های اثر بخشی بحث و آنها را بررسی می‌کنند که تاکنون برای آن اتخاذ شده است. او اظهار می‌دارد که قانون کار به‌طور عام و قانون مربوط به کار کودکان به‌طور خاص، جایگاه بالایی از اعتبار و پیشرفت را کسب کرده و در واقع شمار خوبی از قوانین در رابطه با کار کودکان وضع شده است؛ با وجود این، کار کودکان در هند ادامه دارد. او عامل اساسی آن را فقر می‌داند و بیان می‌کند که ریشه‌کن کردن کار کودکان به‌اندازه وجدان سیاسی در اجرای برنامه‌های ضد فقر، نیازمند یک اهتمام ملی است.

استراوس و توماس^۲ (2015) در تحقیقی «تأثیر تحصیلات والدین در کار کودکان» را بررسی کرده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد جدا از تأثیر درآمد خانواده، تحصیلات والدین نقش مهم و پایداری در کاهش کار کودکان دارد. همین‌طور نتایج تحقیق نشان می‌دهد اگر والدین کودکان تحصیل کرده باشند، در درازمدت میزان نیروی انسانی ماهر در جامعه افزایش می‌یابد. مطالعه بوس^۳ (2013) در هندوستان نشان داد که والدین کودکان خیابانی، درآمد پایین داشتند و ۶۰/۴ درصد پدرانشان کولی یا کارگر روزمزد بودند. در بیشتر موارد مادران این کودکان زنده و در خانه یا بیرون از خانه با درآمد پایین مشغول به کارند. بسیاری از کودکان مخارج زندگی را با کارکردن به دست می‌آورند. کودکان در فصل‌های مختلف سال، شغل‌های متفاوتی دارند و در روز ۸ تا ۱۰ ساعت مشغول به کارند. همچنین وضعیت تغذیه و سلامتی کودکان در سطح رضایت‌بخشی قرار ندارد و غذای مصرفی‌شان از لحاظ کیفی و کمی مناسب نیست.

لام و چنگ^۴ (2008) با مطالعه کودکان خیابانی شهر شانگهای چین، این بحث را مطرح می‌کنند که باید کودکان خیابانی را به‌مثابه بازیگران فعالی در نظر گرفت که شرایط

¹ Binayak

² Shtrows & Thomas

³ Bos

⁴ Lam & Cheng

⁵ Barkhatov & Brukhavo



اصلاحات لازم اعمال و درنهایت مضامین نهایی استخراج و گزارش شد. همچنین به منظور افزایش اعتمادپذیری^۲ داده‌های حاصل شده از مطالعه در حین انجام پژوهش، از معیارهای چهارگانهٔ گوبا و لینکلن^۳ (1982)، شامل اعتبارپذیری^۴، انتقال‌پذیری^۵، تأییدپذیری^۶ و اطمینان‌پذیری^۷ استفاده شد.

• برای باورپذیری و اطمینان‌پذیری بودن داده‌ها از مرور هم‌تا استفاده شد. همچنین برای اعمال این روش، دو تحلیل‌گر کیفی داده‌ها را به‌طور جداگانه کدگذاری و تحلیل کردند و درنهایت میزان تشابه تحلیل‌های انجام‌شده بررسی شد؛

• برای تأییدپذیری از اعتباریابی یا بازبینی مصاحبه‌شوندگان استفاده شد. همچنین برای اعمال این روش، یافته‌ها در اختیار ۱۰ نفر از مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت و اعتبار نتایج از نظر آنها بررسی شد؛

• برای بررسی انتقال‌پذیری^۸ یافته‌ها، نتایج با ۱۰ کودک کار و خیابان دیگر خارج از گروه مصاحبه‌شوندگان در میان گذاشته و نظر آنها بررسی شده است.

از نرم‌افزار SPSS نیز برای تدوین جدول توزیع فراوانی و رتبه‌بندی داده‌های حاصل از مصاحبه با کودکان کار استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

همان‌طور که بیان شد، مشارکت‌کنندگان در پژوهش شامل ۲۰ کودک کار و همه پسرند. تعداد ۵ نفر از آنها ۱۵ سال، ۳ نفر ۱۴ سال، ۳ نفر ۱۶ سال، ۳ نفر ۱۷ سال، ۴ نفر ۱۲ سال و ۲ نفر ۱۳ سال سن دارند؛ بنابراین بیشترین فراوانی به گروه سنی ۱۵ سال تعلق دارد. ۸ نفر از آنها در پایهٔ هفتم، ۲ نفر هشتم، ۳ نفر نهم، ۱ نفر دهم، ۱ نفر پایهٔ پنجم ابتدایی، ۱ نفر ششم ابتدایی، ۲ نفر پایهٔ دوم ابتدایی و ۲ نفر بی‌سواد بودند. همچنین شغل پدر ۳ نفر از آنها کشاورز، ۳ نفر حمل‌بار به مرز پاکستان، ۲ نفر نگهبان، ۴ نفر کارگر و ۴ نفر بیکار بودند و پدر ۴ نفر از

پژوهشگران راهنمای مصاحبه را طراحی کردند. به این منظور ابتدا مؤلفه‌های پژوهش مستخرج و سؤالات براساس ابعاد اجتماعی کار کودک طراحی شد. مدت مصاحبه با هریک از افراد شرکت‌کننده در پژوهش، بین ۴۵ دقیقه تا یک ساعت زمان برد و جلسات با رضایت آگاهانه به صورت صوتی ضبط شد. همچنین در راستای اطمینان‌بخشی به شرکت‌کنندگان در جهت رازداری در حفظ مصاحبه‌ها و فرآیند پژوهش، از اسم مستعار و کد برای شرکت‌کنندگان استفاده شد. در جریان مصاحبه، پروتکل‌های بهداشتی رعایت شد تا ضمن حفظ سلامت شرکت‌کنندگان، مصاحبه‌های پژوهش انجام شود.

برای تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه، از روش تحلیل تم یا تحلیل مضمونی استفاده شده است که روشی آسان، انعطاف‌پذیر و سرعتی برای شناسایی و تحلیل و بیان الگوهای موجود درون داده‌هاست. کلارک و همکاران^۱ (2006)، فرآیند شش مرحله‌ای را برای تحلیل تم سامان داده‌اند که در این تحقیق از این رویکرد برای کدگذاری استفاده شده است. بعد از انجام مصاحبه‌ها، ابتدا متون آنها با دقت مطالعه شد تا فهم کاملی از عقاید، تجارب و اظهارنظر کودکان دربارهٔ علل کارکردنشان فراهم شود، در دومین گام، جملات و عبارات اصلی استخراج شدند و در مرحلهٔ سوم تلاش شد تا معانی هر جمله درک، فرموله و دسته‌بندی شود و به صورت مجموعه‌ای از مفاهیم و معانی درون خوشه‌ها دسته‌بندی شود. بر این اساس، پس از دسته‌بندی و تلفیق کدهای تکراری و تشکیل دسته‌بندی‌های جدید، ۱۶۸ کد باز استخراج شدند. این معانی فرموله‌شده به صورت خوشه‌هایی از موضوعات، دسته‌بندی شدند. پس از این مرحله، تمامی ایده‌های حاصل‌شده در قالب توصیف بسیار مفصلی از پدیدهٔ مطالعه‌شده، ذیل عنوان کدهای محوری مجتمع شدند. این کدها مشتمل بر معانی است که به کدهای باز داده شده است. در این مرحله ۳۳ کد انتخابی استخراج و پس از ادغام آنها، ۸ کد انتخابی حاصل شد. همچنین متن مصاحبه‌ها به دیگر همکاران پژوهش داده شد تا مجدداً عمل کدگذاری را انجام دهند؛ سپس نظرهای تکمیلی آنها دریافت و

² trustworthiness

³ Guba & Lincoln

⁴ credibility

⁵ transferability

⁶ credibility

⁷ dependability

⁸ Transferability

¹ Clark et al.



آنها نیز فوت کرده بود. مادر همه آنها خانه‌دارند و در خانواده‌های بیش از ۳ نفر زندگی می‌کنند. همچنین به غیر از ۴ نفر از آنها که ملیت افغان داشتند، بقیه ایرانی‌اند.

جدول ۱- کدهای انتخابی و محوری علل ایجاد پدیده کودکان کار

Table 1- Selected codes and central codes of the causes of the phenomenon of working children

کدهای انتخابی	کدهای محوری
اعتماد	ارتباط کودک با نزدیکان معتاد
	اعتماد والدین
	اعتماد دیگر اعضای خانواده و اقوام
	وضعیت شغلی والدین
	بیکاری سرپرست خانواده
	درآمد پایین خانواده
نداشتن امنیت مالی	فقدان مهارت‌های حرفه‌ای پدر
	تأمین مالی شخصی
	تعداد زیاد خانوار
	کمک به والدین در تأمین هزینه‌های خانواده
	خشونت والدین نسبت به کودک
خشونت خانوادگی	خشونت والدین نسبت به یکدیگر
	تفاوت قائل شدن بین فرزندان دو همسر
	احساس ناامنی در محیط خانواده
	بیکاری در کشور مبدأ
مهاجرت	ناامنی در کشور مبدأ
	فقر خانواده
	طلاق والدین
	بی‌سرپرستی و بدسرپرستی بعد خانوار
	طرد شدن از خانه و خانواده
	رفتار نامناسب والدین با یکدیگر
	ایفان شدن صحیح نقش‌های خانوادگی
	بی‌مسئولیتی یا نظارت نکردن والدین
	فقدان الگوهای تربیتی سالم در رفتار والدین
	محرومیت از تحصیل
	سطح پایین سواد والدین
	عملکرد ضعیف تحصیلی
	سطح پایین سواد خواهرها و برادرها
	کسب مزایای اجتماعی و اقتصادی برای کودک
وجود خرده‌فرهنگ کار در شبکه خانوادگی	ارتباط کودک با همسالان کار
	جنسیت کودک
	نبود حمایت مالی و تحصیلی از طرف بنیادهای دولتی
ضعف بنیادهای حمایتی و خدماتی	حمایت بسیار اندک از طرف خیرین

اعتماد

تحلیل مصاحبه‌ها با کودکان کار نشان داد که یکی از دلایل عمده گرایش کودکان به کارکردن، از اعتماد والدین آنها، به‌خصوص پدر خانواده به‌عنوان تأمین‌کننده هزینه‌های زندگی نشأت می‌گیرد

پس از تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده، علل ایجاد و

گسترش پدیده کودکان کار در شهرستان مهرستان در جدول (۱) با ۸ تم اصلی شناسایی شد که در زیر هر یک از آنها توضیح داده شده است.

می‌شود کودک داوطلبانه یا به‌اجبار، وظیفه پدر را بر عهده بگیرد و با کارکردن و کسب درآمد، به اقتصاد خانواده کمک کند.

فقر

با توجه به تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده، بیشترین عامل ایجاد و گسترش پدیده کودک کار در شهرستان مهرستان با فراوانی ۵۳ درصد، از مشکلات اقتصادی و فقر در خانواده‌ها نشئت می‌گیرد.

برخی از کودکان کار مصاحبه‌شونده بیان کردند که به دلیل نوع شغل پدرشان، یعنی کارگری، نگرانی و...، درآمد پایین آنها و همچنین شغل مادرشان که خانه‌داری است و درآمدی ندارد، نمی‌توانند هزینه‌های زندگی را تأمین کنند. در این صورت کودک مجبور می‌شود برای کمک به پدر و برای تأمین هزینه‌های زندگی، کار کند. شرکت‌کننده شماره ۲ در این باره چنین بیان کرد:

«درآمد ما از همین کارکردن پدرم و برادرم و یکم یارانه‌ای که دولت به ما می‌دهد، به دست می‌آید و شغل خاصی و ثابتی نداریم. من هم چون می‌بینم پدرم شغل ثابتی نداره و کارگری که پدر می‌کنه همیشه و هر زمانی نیست، گاهی کار پیدا میشه و بعضی وقتا اصلاً کار گیر نمیداد و درآمدش هم خیلی کمه، به همین خاطر مجبورم تا وقتی گیرم بیاد، کار بکنم».

برخی دیگر از کودکان بیان کردند که پدر آنها به دلیل اعتیاد بیکار است و کودک برای تأمین هزینه‌های زندگی خانواده و کمک به مادر و خواهر و برادرهای خود، مجبور به کارکردن می‌شود. به‌طور نمونه مصاحبه‌شونده شماره ۵ در این زمینه چنین بیان کرد:

«چون پدرم و برادرم معتاد هستن و کار و شغل خاصی ندارند، من مجبورم برای تأمین خرج خانه و سیرکردن شکم خواهر و برادرم کار کنم».

برخی از کودکان نیز علت کارکردنشان را ناشی از تعداد زیاد افراد خانواده خود می‌دانستند که در بعضی از آنها پدر، همسر دوم هم داشت و باید هزینه‌های دو خانواده را تأمین می‌کرد و با وجود ساعات طولانی کارکردن، باز هم قادر به تأمین هزینه‌ها نبود؛ بنابراین کودک برای کمک‌خرج خانواده،

که به دلیل اعتیاد دیگر قادر به کارکردن نیست و یا نمی‌تواند ساعات‌های طولانی کار کند. میزان شیوع اعتیاد در این استان، ۲۰/۳ درصد و ۸۵ درصد کشفیات مواد مخدر نیز متعلق به سیستان و بلوچستان است (ابراهیمی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴). به‌طور نمونه شرکت‌کننده شماره ۳ در این باره چنین بیان کرد:

«پدرم خیلی وقت پیش یه ماشین تویوتا داشت و کار می‌کرد. چند سالی کشورهای همسایه مثل امارات برای کارگری می‌رفت و بعد از چند سال که از اونجا برگشت، دیگه کم‌کم معتاد شد و نتونست هزینه‌های مارو تأمین کند».

همچنین چند نفر از آنها بیان کردند که مصرف ناس در خانواده آنها طبیعی است و بیشتر اعضای خانواده و فامیل، ناس در دهان خود می‌گذارند. به‌طور نمونه شرکت‌کننده شماره ۸ چنین گفت:

«نه هیچ موادی مصرف نمی‌کنند، فقط بعضیا ناس توی دهن خود می‌گذارند».

آنها بیان می‌کردند که سبب معتادبودن خیلی از اعضای خانواده و فامیل‌هایشان، مواد مخدر به‌راحتی در خانه آنها پیدا می‌شود و در دسترسشان قرار می‌گیرد. درواقع همین امر باعث تحریک کودک به مصرف مواد مخدر شده است.

شرکت‌کننده شماره ۱۷ در این باره چنین گفت:

«آره متأسفانه برادر بزرگ‌ترم معتاد هستش و تریاک مصرف می‌کند و ناس در دهان می‌گذارد و پدرم هم مواد مصرف می‌کند؛ گاهی هروئین و گاهی تریاک یا شیشه. چند تا از عموها و پسرعموهای هم مواد مصرف می‌کنند. موادکشیدن تو خانواده ما عادی شده و منم هر روز از نزدیک می‌بینم و با همه اینها ارتباط دارم و حال بدشونو به خاطر کشیدن مواد می‌بینم. چندبار تحریک شدم منم ناس بذارم دهنم، ولی پشیمون شدم».

تنش در خانواده‌ای که سرپرست معتاد دارد، باعث می‌شود سرپرست خانواده نتواند هزینه‌های معاش خانواده را برآورده کند؛ در نتیجه، فقر اقتصادی گریبان‌گیر خانواده می‌شود. در این شرایط، کودک نقش اقتصادی را بر عهده می‌گیرد و به‌عنوان نیروی تولیدی، کارکردن را دنبال می‌کند. در این صورت، کودکان یکی از منابع تأمین نیازهای معیشتی خانواده محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر، تأمین‌نشدن هزینه‌های خانواده از سوی پدر، سبب

خشونت رفتار آگاهانه‌ای است که نتایج احتمالی آن، ایجاد آسیب فیزیکی یا درد در فرد دیگر است (اعزازی، ۱۳۸۰: ۱۸). خشونت والدین، یعنی اعمال و رفتار افراط‌آمیز و خشنی که والدین در تحمیل انضباط نسبت به فرزندان، اعمال می‌کنند. روحیه پرخاشگری و خشونت ابزاری است که بسیاری از والدین با توسل به آن سعی می‌کنند تا کودک را از خواهش و اصرار بر برآوردن نیازهای اولیه خود دور کنند. هرچه خشونت والدین نسبت به کودک بیشتر باشد، جداشدن کودک از کانون خانواده و روی آوردن به مشاغل مختلف برای تأمین نیازهای اولیه ایشان، بیشتر می‌شود. برخی از کودکان مطالعه شده بیان کردند که والدین در خانه با خشونت با آنها برخورد و به کارکردن مجبورشان می‌کنند.

مصاحبه‌شونده شماره ۷ در این باره چنین گفت:

«خدا روشکر زیاد دعوا و جنجالی نشده؛ اما گاهی پدرم عصبانی میشه و حرف‌های تندی می‌زند و اگر به حرفش گوش ندیم، خیلی عصبانی میشه و ما رو کتک می‌زنه».

هرچه محیط خانواده نامن‌تر باشد، کودکان تمایل بیشتری دارند که از آن محیط بیرون و به محیط امن بروند؛ بنابراین کودکانی که در خانواده‌های آنان خشونت وجود دارد، برای فرار به بیرون از خانه و کارکردن روی می‌آورند تا از این راه هم درآمد کسب کنند و هم اینکه ساعاتی از روز را در منزل نمانند. حتی برخی از کودکان بیان داشتند که پدر آنها با مادرشان برخورد خشونت‌آمیزی دارد و او را کتک می‌زند و با بچه‌ها هم بدخلقی و پرخاشگری می‌کند.

نظر کودک شماره ۱۴ در این باره چنین بود:

«گاهی پدرم با مادرم دعوا می‌کرد و اونو کتک می‌زد و بد و بی‌راه می‌گفت که همین کارها باعث شد مادرم از پدرم جدا بشه و بره پیش پدر بزرگم و در آخر طلاق گرفت و رفت. بعضی وقتا به ما بچه‌ها حمله می‌کنه و با خشونت و تهدید رفتار می‌کنه و ما رو می‌زند. به‌خاطر همین من دوست دارم طولانی‌تر بیرون باشم و کار کنم و کمتر پیام خونه؛ چون حوصله دعوا و بحث ندارم».

برخی دیگر از کودکان اظهار داشتند که وقتی بین مادر آنها و همسر دوم پدرشان بحث و دعوا می‌شود، پدر با تندی برخورد و بیشتر از همسر دوم و فرزندان او طرفداری می‌کند.

کار می‌کرد. مصاحبه‌شونده شماره ۹ در این زمینه چنین گفت:

«وضعیت مالی زیاد خوب نیست؛ چون خرج خانواده خیلی زیاده و پدرم یک زن دیگه‌ای دارد و همش مجبوره کار بکنه تا خرج خانه رو تهیه کند. منم مجبور شدم که کار کنم تا کمک‌خرج پدر و خانواده بشم».

برخی دیگر بیان کردند که پدر آنها مهارت و تخصص شغلی خاصی ندارد و فقط می‌تواند کارگری، نگهبانی و یا رانندگی کند. این شغل‌ها با وجود زحمت زیاد، درآمد خیلی کمی دارند و هزینه‌های زندگی فقط با درآمد پدر تأمین نمی‌شود؛ بنابراین کودک به دلیل کمک به پدر مجبور است که کار کند. کودک شماره ۲۰ در این باره چنین اظهار داشت:

«وضعیت مالی زیاد خوب نیست و همین‌که پدرم به سرویس می‌زنه و بار می‌بره و برمی‌گرده که گاهی تا یک هفته در مسیر هستش و پولی که به دست میاره تقریباً یک میلیون پانصد هست، با همین خرج خونه رو تأمین می‌کنه تا اینکه به سرویس دیگه‌ای جور بشه و بره اون طرفا. منم دیگه مجبورم کار کنم چون هم باید به پدرم در به دست آوردن خرج و مخارج خانه کمک کنم».

برخی دیگر از کودکان بیان کردند که با کارکردن می‌توانند وسایل مورد نیاز خود را برای مدرسه بخرند و لوازم مدرسه خواهر و برادر خود را تأمین کنند. شرکت‌کننده شماره ۶ درباره این موضوع چنین گفت:

«من همه درآمدمو میدم به مادرم تا خرج زندگی کنه؛ البته بعضی چیزها که لازم دارم با پول خودم می‌خرم دیگه به پدرم نمیگم و بعضی از لوازم مدرسه خواهر و برادر کوچک‌ترم هم می‌خرم. البته آنقدر خرج‌ها بالاست که نمی‌تونم برای خودم زیاد وسیله بخرم، ولی اگر چیزی لازم داشته باشم، برای خودم می‌گیرم».

همچنین کودک مجبور است به دلیل تأمین هزینه‌های درمان یکی از اعضای خانواده و یا خرید جهیزیه برای خواهر، کار کند تا کمک‌خرج باشد. مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ در این باره چنین بیان می‌کرد:

«چند وقت پیش برادر بزرگ‌ترم بیماری و درد کلیه داشتن که به شهرهایی مثل یزد و شیراز بردیمش و اونجا عملش کردن. خدا روشکر الان خوبه، ولی کلی هزینه عملش شد که با سختی و قرض تونستیم پرداخت کنیم. منم برای کمک پدرم برای دادن بدهی‌ها کار می‌کنم».

خشونت خانوادگی

کودک شماره ۵ در این باره چنین بیان کرد:

«بعضی وقت‌ها مادرا با همدیگه حرفشون میشه و سرو صدا میشه؛ اما دیگه دعوا و زدنی صورت نمی‌گیرد و پدر عصبانی میشه و بیشتر مادر من و ما رو دعوا می‌کنه و طرف اونارو بیشتر از ما داره».

مهاجرت

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، مهاجرت یکی از علل شایع ایجاد پدیدهٔ کودکان کار است. در چند سال اخیر، به دلیل جنگ و ناامنی در افغانستان و مشکلات اقتصادی و بیکاری فراوان در این کشور، بسیاری از خانواده‌ها، پسرها و مردان افغان به ایران مهاجرت کردند. استان سیستان و بلوچستان نیز به دلیل اینکه یک استان مرزی است، تعداد درخور توجهی مهاجر از کشورهای اطراف دارد؛ بنابراین کودکان پس از مهاجرت خانوادهٔ خود، به دلیل سواد کم پدر خانواده و مهارت‌نداشتن در کار (فقر فرهنگی خانواده)، به شغل یدی با درآمد کم مشغول می‌شود (فقر اقتصادی خانواده در مقصد). کاهش درآمد، خانوادهٔ کودک را با مشکل تأمین معاش مواجه می‌کند و پدر از لحاظ منزلت در مرتبهٔ پایینی قرار می‌گیرد. در این شرایط اگر والدین آنها نیز اعتیاد داشته باشند، اوضاع بدتری را تجربه می‌کنند و دیگر خانواده در این وضعیت نمی‌تواند امکانات رفاهی مناسبی را برای کودک فراهم کند؛ به همین دلیل کودک برای کمک به تأمین معاش خانوادهٔ خود مجبور به کار کردن می‌شود.

برخی از کودکان نیز بدون خانواده و به‌تنهایی مهاجرت می‌کنند تا در ایران کار کنند، درآمد خود را برای خانواده بفرستند و از نظر مالی به آنها کمک کنند.

به‌طور نمونه کودک افغان شماره ۲ که به‌تنهایی مهاجرت

کرده است، در این باره چنین بیان کرد:

«آره واقعاً ما مجبوریم چون اونجا کاری گیر نمیداد و همیشه جنگ و درگیری هستش و آدم نمیشه به‌راحتی کاری بکند و زندگی کند. دیگه همه باید این همه راه و سختی رو برداشت کنیم و بیایم اینجا واقعاً خیلی سخته توی این راه‌ها چندین روز رو در مسیر هستیم و مأموران می‌گیرند جریمه می‌کنند و دوباره می‌فرستن افغانستان، ولی باز باید برگردیم اینجا تا کاری پیدا کنیم».

از هم پاشیدگی سازمان اجتماعی خانواده

نتایج تحلیل مصاحبه‌های کودکان کار نشان داد که یکی از دلایل کارکردن کودکان به دلیل وضعیت از هم گسیخته و نابسامان خانواده‌شان است؛ زیرا والدین برخی از آنها به دلایل مختلف مانند اعتیاد پدر و یا خشونت و رفتارهای نامناسب جدا شدند و در بیشتر موارد کودکان با مادر خود زندگی می‌کنند و برای تأمین هزینه‌های زندگی خانوادهٔ خود، مجبور به کار کردن‌اند. نابه‌سامانی خانواده موجب کم‌توجهی به کودک و حمایت‌نکردن مالی و رفاهی والدین از او می‌شود (بی‌مسئولیتی والدین). در نتیجهٔ این بی‌مسئولیتی والدین، کودک به دنبال کسب درآمد مناسب و آسان می‌گردد تا بتواند استقلال مالی پیدا کند. همچنین طلاق والدین و ازدواج مجدد یکی از آنها موجب می‌شود کودک با پدر یا مادر خود زندگی کند (نابه‌سامانی خانواده). مدیر کل ثبت احوال سیستان و بلوچستان می‌گوید میانگین سن طلاق مردان در ۹ ماههٔ امسال ۳۲/۷ و زنان ۲۸/۲ سال بوده است. طی ۹ ماه سال ۱۴۰۰، ۲ هزار و ۹۵ واقعهٔ طلاق در سیستان و بلوچستان به ثبت رسیده است (خبرگزاری دانشجویان ایران، ۱۴۰۰). همچنین، اعتیاد یکی از والدین، تشدیدکنندهٔ این نابه‌سامانی است. با توجه به اینکه خانوادهٔ کودک دچار نابه‌سامانی شده است، درآمد خانواده کاهش می‌یابد (فقر اقتصادی خانواده) و در نتیجه، پدر یا مادر به اجبار از کودک به‌عنوان نیروی کار استفاده می‌کنند تا هزینه‌های زندگی را تأمین کنند. به‌طور نمونه کودک شماره ۱۵ در این زمینه چنین بیان کرد:

«من و برادر و خواهرم پیش مادرمان زندگی می‌کنیم. پدرم وقتی که معتاد شد، دیگه نمی‌تونست برای ما هزینه‌های زندگی رو تأمین کند، دیگه بعد چند سال ازدواج دیگری انجام داد و به خانم دیگه گرفت و کم‌کم دیگه اصلاً پیش ما نیومد. تا این‌که بعد از چند سال مادر مجبور شدن طلاق گرفتن و جدانشدن. از طرف دایی و پدر بزرگ اندازهٔ خرج خانه می‌رسه؛ اما کافی نیست. من و داداشم باید بریم دنبال کار تا بتونیم کمک‌خرج مادرمان باشیم و مادرمان در تنگنا نباشد. من صبح حدود ۸ به بعد میام مغازه تا حدود ساعت نه یا ده شب در مغازه هستم».

در برخی از خانواده‌ها نیز پدر یا پدر و مادر هر دو فوت

برمی‌گردیم. ما دیگه ساعتی سه شب از اینجا حرکت می‌کنیم و حدود صبحش اونجا می‌رسیم و بار رو خالی می‌کنیم و برمی‌گردیم؛ البته اگه مشکلی پیش نیاد و از موتور نیفتیم، یا مأموران راه رو نیسته باشند و یا گیر سارقین و دزدها نیفتیم. هر سرویسی حدود پانصد تا ششصد تومنی گیرمان میاد. اگه به سلامتی به مقصد برسیم و برگردم و اینکه همیشه و هر روز هم نمی‌تونیم بریم؛ چون موتورهامون خراب میشن یا راه‌ها خراب و بسته میشه. قبلاً که کارگری می‌کردم چیزی نمی‌موند، اما الان از وقتی روی موتور کار می‌کنم، خداروشکر گاهی چیزی گیرم میاد، میدم مادرم که بعضی وقت‌ها مادرم هم برایم وسایلی لباسی یا کفشی چیزی می‌گیرد».

تحصیلات

با توجه به تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده، یکی دیگر از دلایل روی آوردن کودکان به کارکردن، تحصیلات پایین پدر و مادر و دیگر اعضای خانواده و یا ترک تحصیل کودک است. مدیر آموزش و پرورش شهرستان مهرستان می‌گوید که در سطح شهرستان، بیش از ۴۸۰۰ دانش‌آموز دختر و پسر بازمانده از تحصیل، در قالب طرح خرید خدمات مشغول به تحصیل‌اند (خبرگزاری دانشجویان ایران، ۱۳۹۶). برخی از آنها به دلایل مختلف مجبور به ترک تحصیل شدند و یا به دلایلی چون ساعات طولانی کارکردن، به‌ویژه کارهای شبانه یا سفرهای کاری، به‌خوبی از عهده تکالیف مدرسه برنیامدند و دچار افت تحصیلی شدید شدند.

به‌طور نمونه، کودک شماره ۱۱ در این زمینه چنین اظهار داشت:

«تا کلاس نهم خوندم. دیگه نهم قبول شدم، دهم دیگه نشد ادامه بدم. چون در انتخاب رشته نمره‌ام به حدنصاب رشته علوم انسانی نرسید، گفتن باید بری داخل شهر و رشته کار و دانش بخونی. منم هم علاقه به این رشته نداشتم و هم اینکه رفت و آمد برایم سخت بود و باید کار می‌کردم، دیگه ادامه ندادم».

برخی از پدر و مادرها تحصیلات پایینی داشتند، بی‌سواد بودند و فرهنگ تحصیل کردن در خانواده‌شان رواج نداشت، به همین دلیل فرزندان آنها هم مانند پدرانشان بیشتر از چند کلاس تحصیل نکردند و بعد وارد بازار کار شدند.

به‌طور نمونه مصاحبه‌شونده شماره ۹ در این باره چنین

شدند و بچه‌ها با عمو و یا پدر بزرگ خود زندگی می‌کنند. آنها نیز کودک را به کارکردن مجبور می‌کنند؛ برای مثال کودک شماره ۱۷ در این باره چنین بیان کرد:

«پدر و مادرم بعد از اینکه در مسیر یزد تصادف کردن، دیگه به رحمت خدا رفتند و هر دو فوت کردند. من و برادرانم پیش پدر بزرگمان هستیم و در خانه‌ای که پدرمان ساخته اینجا زندگی می‌کنیم. من الان در مغازه پدرم پیش عمویم شاگردی می‌کنم. بعد از فوت پدر، دیگه مغازه دست عمویمان هستش. من و برادر کوچک‌ترم اینجا مشغولیم. ما حدود ساعت ۸ صبح میایم توی مغازه و تا هشت شب اینجا هستیم. متأسفانه پول و دستمزدی آن‌چنانی به ما نمیدن. هر روز اینجا کار می‌کنیم، ولی دستمزد و پولی نمی‌بینیم. بعضی روزا پدر بزرگ بیاد یه ده هزار تومنی به ما می‌ده تا یه کیکی چیزی بگیریم و بخوریم؛ اما پولی که بتونیم با خود ببریم یا پس‌اندازش کنیم به ما نمیدن. دیگه مجبوریم با همین اوضاع بیاییم و برویم چون کس دیگه‌ای و جا و مکان دیگه‌ای نداریم که برویم. حتی برادرم گاهی می‌خواد بره بیرون از مغازه و سر خیابان چیزی بفروشد و میگه اونجا بهتر پولی گیرم میاد؛ کارهای دست‌فروشی، مثل فروختن سیگار و ناس‌فروختن، اما تا می‌خواد بره از پدر بزرگ و عموها می‌ترسه، میگه منو می‌زنند».

برخی از کودکان بیان می‌کردند که به‌دلیل کسب درآمد بیشتر، کارهای غیرقانونی و پرخطری مثل حمل سوخت به لب مرز را انجام می‌دهند که برای آنها خطرات جانی و مالی بسیاری دارد، ولی خانواده‌ها اصلاً مخالفتی نمی‌کنند و حتی از اینکه با این کار درآمد خانواده بیشتر می‌شود، خوشحال هم هستند و فرزند خود را تشویق می‌کنند. در برخی دیگر از خانواده‌ها نیز به‌جای آموزش رفتار و عملکرد درست به کودک، پدر و برادران بزرگ‌تر الگوی فرزند برای این کارند و طریقه انجام دادن این کار غیرقانونی را به کودک آموزش می‌دهند. به‌طور نمونه کودک شماره ۱۸ در این زمینه چنین گفت:

«منم قبلاً با پدرم کار می‌کردم. کارهای تمیزکاری نخل‌ها و چیدن خرما نخل‌ها همیشه همراه پدرم انجام می‌دادم، الان یک سالی میشه با این موتوری که پدرم برایم خریده می‌ریم سمت مرز پاکستان و گازوییل می‌برم. دو گالن هفتاد لیتری و یک گالن سی لیتری روی موتور می‌بندیم و با خود می‌بریم اونور مرز می‌فروشیم و

گفت:

«پدرم بی سواد هست و درسی نخونده است. مادرم هم

بی سواد هستن».

کودک شماره ۶ درباره سختی‌های درس خواندن همراه با کارکردن و عملکرد ضعیف تحصیلی خود، چنین بیان می‌کرد:

«چرا برایم سخته، ولی اگه الان کار نکنم و کمک نکنم

به خانواده، بعدها نمی‌تونم، سعی می‌کنم درس‌هایم رو

بخونم. یه موقعی تا آخر شب اینجا بودم، صبح وقتی رفتم

سر کلاس همون‌جا خوابم برد. معلم و بچه‌ها بیدارم کردند

و خیلی از درس‌ها رو متوجه نشده بودم».

وجود خرده‌فرهنگ کار در شبکه خانوادگی

اشتغال بسیاری از اعضای خانواده کودک در کنار نگرش مثبت

شبکه خانوادگی (و فامیل و بستگان) به کار و ارزشمندبودن

کارکردن کودک در شبکه خانوادگی (مرد اگر کار نکند، مرد

نیست و غیرت ندارد)، سبب می‌شود کودک به کارکردن

تمایل نشان دهد (خرده‌فرهنگ کار)؛ سپس این ایجاد انگیزه

در کودک موجب می‌شود که او با دیگر کودکان مشغول به

کار ارتباط برقرار کند (ارتباط کودک با همسالان کار). به

عبارتی، با توجه به وجود خرده‌فرهنگ کار در شبکه

خانوادگی کودک و نگرش مثبت اعضای این شبکه خانوادگی

به کار، کودک نگرش مثبتی به کارکردن پیدا می‌کند. در ادامه،

این نگرش مثبت موجب گرایش کودک به کار می‌شود.

سکونت خانواده کودک در روستا، از یک سو و تحصیل نکردن

او به دلیل مشکلات مالی خانواده از سوی دیگر، سبب می‌شود

کودک اوقات فراغت خود را به دلیل ترک تحصیل با دیگر

کودکان کار سپری کند (ارتباط کودک با همسالان کار). در

ادامه این فرایند ارتباط کودک با همسالان کار، به اطلاع کودک

از سهولت کسب درآمد منجر می‌شود. این سهولت سبب

می‌شود تا کودک برای کارکردن اشتیاق پیدا کند. کودک پس

از مدتی کوتاهی که کار کرد، سود مناسبی کسب می‌کند.

کسب سود مناسب به کودک کمک می‌کند تا تفریح کند و از

این طریق، درآمد شایان توجهی به دست آورد (کسب مزایای

اجتماعی و اقتصادی برای کودک). در مجموع، کسب درآمد

کردن کودک، استقلال مالی را برای او در پی دارد. این مزایا

موجب می‌شود کودک در کارکردن خود استمرار داشته باشد

و به آسانی از کارش چشم‌پوشی نکند.

به‌طور نمونه کودک شماره ۱۸ در این باره چنین بیان کرد:

«منم دیگه مجبورم کار کنم؛ چون هم باید به پدرم در

به دست آوردن خرج و مخارج خانه کمک کنم و هم اینکه

بتونم به‌عنوان یک مرد، شغلی برای خودم در آینده داشته

باشم. به همین خاطر منم وقتی که تعطیل هستم و در

شیفت مخالف میام اینجا و شاگرد این استاد مکانیک هستم

و می‌خوام مکانیکی ماشین یاد بگیرم تا در آینده هم بتونم

خودم تنهایی کار کنم و کسب درآمدی داشته باشم.

دستمزد آن‌چنانی ندارم چون شاگرد هستم و بیشتر اینکه

به نفع خودمه تا چیزی یاد بگیرم؛ اما هفته صد هزار تومنی

هم به من می‌ده و می‌گه چون بهت کار یاد میدم، دیگه بیشتر

پول نمیدم؛ اما بازم خوبه که منو گذاشته تا کار کنم، چون

کارگری سخته و در توانم نیست کارگری کنم و آینده‌ای

هم ندارم».

کودک شماره ۵ نیز چنین اظهار داشت:

«به قول پدر و مادرم، کارکردن برای پسرها خیلی

خوبه؛ چون تو الان که بچه‌ای کار رو یاد بگیری، وقتی

بزرگ شدی خودت اوستاکار میشی و اینکه خودت درآمد

هم داری، می‌تونی بری وسایل مدرستو یا چیزایی که لازم

داری بخری و به خواهر و برادرات و مادر و پدرت هم

کمک کنی».

ضعف بنیادهای حمایتی و خدماتی

همان‌طور که قبلاً نیز بیان شد، یکی از دلایل عمده رواج

پدیده کودکان کار، فقر اقتصادی است؛ زیرا چون خانواده‌ها

دچار مشکلات مالی بسیاری‌اند، به‌اجبار کودکان خود را وارد

بازار کار می‌کنند. از طرف دیگر چون هیچ حامی ندارند،

مجبورند خود به‌تنهایی و با کمک فرزندان‌شان مخارج زندگی

را تأمین کنند. کودکان کار در مصاحبه بیان کردند که از طرف

هیچ ارگان خاصی حمایت نمی‌شوند و فقط برخی از آنها بعد

از فوت پدرشان، حقوق ناچیزی از کمیته امداد دریافت

می‌کنند که آن هم به‌اندازه تأمین نیازهای آنها نیست؛ بنابراین

مجبورند برای تأمین معاش زندگی خود و خانواده‌شان کار

کنند.

به‌طور نمونه کودک شماره ۱۲ در این زمینه چنین اظهار

داشت:

«شخص خاصی که نه، البته بعد فوت پدرم گه‌گاهی



از طرف عموها کمکی شده و اینکه وقتی پدر فوت کردن، از طرف کمیته امداد هم به حقوق ماهیانه‌ای به ما می‌دادن که آن قدر کم بود که همون چند روزه تموم می‌شد و من و داداشم مجبوریم کار کنیم تا به مادرمان کمک کنیم». کودک شماره ۳ نیز دربارهٔ کمک خیران و بهزیستی چنین گفت:

بسته غذایی بیارند اینجا، به ما هم می‌دهند و اینکه گفتن از طرف بهزیستی قراره کمکی به ما بشود، ولی هنوز تا حالا خبری نشده است. به روزی یکی از بچه‌های محل هم کمکی جمع کرده بود و یک پنکه برای خونه ما گرفته بودند و آوردن نصبش کردند».

اهمیت و اولویت هریک از عوامل اجتماعی مؤثر بر پدیدهٔ کودکان کار در شهرستان مهرستان، چگونه است؟

«خیر کمک خاص و مشخصی نداریم، ولی بعضی وقتا

جدول ۲- توزیع فراوانی و رتبه‌بندی داده‌های حاصل از مصاحبه با کودکان کار

Table 2- Frequency distribution and ranking of data obtained from interviews with working children

رتبه	درصد	فراوانی	کدهای محوری	ردیف
۱	۹,۶۹	۱۹	کمک به والدین در تأمین هزینه‌های خانواده	۱
۲	۶,۶۳	۱۳	وضعیت شغلی والدین	۲
۳	۵,۶۱	۱۱	درآمد پایین خانواده	۳
۳	۵,۶۱	۱۱	بی‌سرپرستی و بدسرپرستی بعد خانوار	۴
۴	۶,۱	۱۰	ارتباط کودک با نزدیکان معتاد	۵
۵	۴,۵۹	۹	ایفانشدن صحیح نقش‌های خانوادگی	۶
۶	۴,۰۸	۸	خشونت والدین نسبت به کودک	۷
۷	۳,۵۷	۷	نبود حمایت مالی و تحصیلی از طرف بنیادهای دولتی	۸
۷	۳,۵۷	۷	محرومیت از تحصیل	۹
۸	۳,۰۶	۶	خشونت والدین نسبت به یکدیگر	۱۰
۸	۳,۰۶	۶	فقر خانواده	۱۱
۸	۳,۰۶	۶	فقدان الگوهای تربیتی سالم در رفتار والدین	۱۲
۸	۳,۰۶	۶	کسب مزایای اجتماعی و اقتصادی برای کودک	۱۳
۸	۳,۰۶	۶	عملکرد ضعیف تحصیلی	۱۴
۹	۲,۵۵	۵	رفتار نامناسب والدین با یکدیگر	۱۵
۹	۲,۵۵	۵	بی‌مسئولیتی یا نظارت نکردن والدین	۱۶
۹	۲,۵۵	۵	اعتیاد والدین	۱۷
۹	۲,۵۵	۵	اعتیاد دیگر اعضای خانواده و اقوام	۱۸
۹	۲,۵۵	۵	طلاق والدین	۱۹
۹	۲,۵۵	۵	سطح پایین سواد والدین	۲۰
۱۰	۲,۰۴	۴	فقدان مهارت‌های حرفه‌ای پدر	۲۱
۱۰	۲,۰۴	۴	تعداد زیاد خانوار	۲۲
۱۰	۲,۰۴	۴	احساس ناامنی در محیط خانواده	۲۳
۱۰	۲,۰۴	۴	طرشدن از خانه و خانواده	۲۴
۱۰	۲,۰۴	۴	جنسیت کودک	۲۵
۱۰	۲,۰۴	۴	سطح پایین سواد خواهرها و برادرها	۲۶
۱۰	۲,۰۴	۴	بیکاری در کشور مبدأ	۲۷
۱۱	۱,۵۳	۳	تفاوت قائل شدن بین فرزندان دو همسر	۲۸
۱۱	۱,۵۳	۳	بیکاری سرپرست خانواده	۲۹
۱۱	۱,۵۳	۳	ناامنی در کشور مبدأ	۳۰
۱۱	۱,۵۳	۳	ارتباط کودک با همسالان کار	۳۱
۱۲	۱,۰۲	۲	تأمین مالی شخصی	۳۲
۱۲	۱,۰۲	۲	حمایت بسیار اندک از طرف خیران	۳۳

می‌یابد. فقر مکانیسمی، عقلایی است که نسل به نسل انتقال می‌یابد. فرهنگ فقر، تجربه زندگی فرودستان جامعه است. از نظر امیری (۱۳۹۵)، شرایط نابسامان اقتصادی و اجتماعی خانواده‌های کودکان کار و از طرفی فرهنگ پذیرفته‌شده در زمینه کار کودک، موجب ورود آنها به عرصه کار در خیابان شده است؛ بنابراین آنها در این عرصه با مسائل مختلفی مواجه می‌شوند. اندکی فشتمی (۱۳۹۵) بر این باور است که عواملی چون تعداد فرزندان خانواده، میزان درآمد خانواده، اعتیاد والدین، خشونت والدین علیه کودک بر کار کودکان تأثیر می‌گذارد. از نظر آقاجان (۱۳۹۵) متغیرهای «وضعیت اشتغال والدین (بیکاری)»، «اعتیاد والدین»، «طلاق والدین»، «خشونت والدین»، «مهاجرت و حاشیه‌نشینی»، رابطه مستقیم و مثبتی با متغیر وابسته «پدیده کودکان کار» دارند. متغیرهای حمایت اجتماعی و میزان درآمد خانواده نیز، رابطه معکوس و منفی با این پدیده داشتند. متغیر درآمد خانواده بیشترین میزان همبستگی و متغیر «خشونت والدین»، کمترین همبستگی را با پدیده کودکان کار دارد. عظیمی فر (۱۳۹۱) معتقد است که بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی، وضعیت سرپرستی، مهاجرت، بعد خانوار و ویژگی‌های فردی با کار کودک، رابطه معناداری وجود دارد.

جیوانی و همکاران (۲۰۲۱) حمایت‌نشدن قانونی از کودکان قربانی را مطرح می‌کند، ژگان (۲۰۲۱) بر عوامل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی اعتقاد دارد و ابراهیم و همکاران (۲۰۱۹) نیز بیان می‌کنند که کار کودک (نه به صورت محدود)، با تعدادی از پیامدهای نامطلوب سلامتی، از جمله رشد ضعیف، سوءتغذیه، بروز بیشتر بیماری‌های عفونی و خاص سیستم، اختلالات رفتاری و عاطفی مرتبط است. دامرت و همکاران (۲۰۱۸) درباره تصمیمات خانواده راجع به کار کودکان تحت تأثیر درآمد، بی‌اطمینانی و بازگشت نسبی به کار و تحصیل صحبت می‌کنند. همچنین امرسون و سوزا (۲۰۰۸) درباره احتمال حضور کودک در مدرسه بحث می‌کنند یا کار را تابعی از ترتیب تولد، جنس کودک بزرگ‌تر، سن کودک، نژاد کودک، تحصیلات پدر و مادر، سن والدین و وضعیت روستایی یا شهری بودن خانواده می‌دانند. در این

از میان ۳۳ محور به دست آمده از تحلیل پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان درباره علل اجتماعی پدیده کودکان کار در شهرستان مهرستان، کمک به والدین در تأمین هزینه‌های خانواده با فراوانی ۱۹ (۹/۶۹) در رتبه اول، وضعیت شغلی والدین با فراوانی ۱۳ (۶/۶۳) در رتبه دوم و همچنین درآمد پایین خانواده، بی‌سرپرستی و بدسرپرستی خانواده با فراوانی ۱۱ (۵/۶۱) در رتبه سوم قرار داشت.

خلاصه و نتیجه

علل ایجاد و گسترش پدیده کودکان کار در شهرستان مهرستان، با ۸ تم اصلی، شامل اعتیاد، نبود امنیت مالی، خشونت خانوادگی، مهاجرت، از هم پاشیدگی سازمان اجتماعی خانواده، تحصیلات، وجود خرده‌فرهنگ کار در شبکه خانوادگی و ضعف بنیادهای حمایتی و خدماتی شناسایی شد. نتایج پژوهش نشان داد مشکلات اقتصادی و فقر خانواده (کمک به والدین در تأمین هزینه‌های خانواده) از مهم‌ترین عوامل ایجاد و گسترش پدیده کودکان کار در شهرستان مهرستان است.

نتایج پژوهش حاضر همسو با نتایج مقدم و همکاران (۱۴۰۱) است که چالش‌های مابعد طلاق در خانواده، معاشرت افتراقی کودک، راهبرد گزینشی کار کودک در خیابان، پیامدهای فردی- اجتماعی کار کودک در خیابان و مقوله هسته و کار کودک را به‌مثابه مقابله با وضع موجود می‌دانستند. ملتفت و همکاران (۱۳۹۹) شرایط نابسامان و از هم گسیخته خانواده، تقلیل‌گرایی نهادی، نادیده‌گرفتن در قوانین، نبود فهم متقابل، تلقی منفی کودک از سازمان‌های رفاهی، هراس از آینده، تلقی کودک از سازمان‌های حمایتی و محرومیت از حق تحصیل و آموزش را بررسی کردند. پیرخندان و همکاران (۱۴۰۰) نیز گونه‌های کار کودکان را در هفت دسته کار کارگاهی، دست‌فروشی، کار در خیابان، زباله‌گردی، تکدی‌گری، کار کودکان خیابانی و همچنین کار پنهان کودکان سنخ‌بندی شده می‌دانستند. مرادی بیدهندی (۱۳۹۹) معتقد بود که کودکان کار با فرهنگ کارگری رشد می‌کنند، یعنی با آموزش و تربیتی که از پدرانشان و نسل به نسل به آنها انتقال

مختلف کار می‌کنند. برخی از این کودکان که تحت تأثیر فشارهای طاقت‌فرسای اقتصادی قرار دارند، به میل و رغبت خود و برای کمک به خانواده و برخی نیز تحت تأثیر اجبار و الزام‌های والدین و بزرگ‌ترها، به کارکردن روی آورده‌اند.

پدیده کودکان کار یکی از مشکلات آسیب‌زای اجتماعی است که از دیرباز در سرتاسر جهان وجود داشته و در سال‌های اخیر به دلایل گوناگون در کشور ما نیز، افزایش یافته است. طبق نظریه‌های کارشناسان و مطالعه منابع موجود، در بروز و شیوع این پدیده عوامل اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی، زیستی، روانی و حقوقی بسیاری دخیل‌اند که در این پژوهش تأثیر ۸ عامل اجتماعی مؤثر (اعتیاد، نداشتن امنیت مالی، خشونت خانوادگی، مهاجرت، از هم پاشیدگی ساختار اجتماعی خانواده، تحصیلات، وجود خرده‌فرهنگ کار در شبکه خانوادگی و ضعف بنیادهای حمایتی و خدماتی) بر پدیده کار کودکان شناسایی شد.

کودکی دوره‌ای حیاتی برای رشد ایمن و سالم‌سازی انسان است. به سبب مسائلی از قبیل رشد و پرورش (فیزیکی، شناختی، آموزشی/ذهنی و اخلاقی) باید بیشتر به کودکان توجه شود؛ زیرا آنها هنوز در سنین رشدند و شخصیت و نیازهای خاصی دارند. این افراد بسیار بیشتر در معرض خطراتی همچون بیماری، جراحی و حتی مرگ، خطرات ماشینی، بیولوژیکی، فیزیکی، شیمیایی، ارگونومیک، بهداشتی و روانی اجتماعی قرار دارند و هم‌ردیف مشکلاتی همچون ساعت‌های زیاد کار و شرایط بسیار بد زندگی قرار می‌گیرند. تهدید مخاطراتی که برای کارگران بزرگسال وجود دارد، برای کودکان افزون‌تر است؛ برای مثال، فشار جسمی که به‌وسیله فعالیت بیش از حد وارد می‌شود، مانع رشد استخوان‌ها و مفاصل می‌شود، به ستون فقرات فشار می‌آورد و باعث بروز دیگر ناتوانی‌های مادام‌العمر می‌شود. کودکان کار بیشتر از صدمات روحی ناشی از محیط زندگی رنج می‌برند که در آن تحقیر و معذب می‌شوند یا خشونت را تجربه می‌کنند و از آنها سوءاستفاده می‌شود. در کنار همه اینها، کار کودکان تأثیر بسیار مخربی بر آینده کودک دارد. محرومیت از تحصیلات با کیفیت، کار کودکان را همانند بزرگسالان از

مدل، زمان کودک صرف تحصیل یا کار می‌شود. آنها همچنین مشاهده کردند که احتمال اشتغال کودکان در خانواده‌هایی بیشتر است که بعد بزرگ‌تری دارند و سن مادران نیز با کار کودکان پسر رابطه منفی دارد. خانام (2005) معتقد است که افزایش تحصیلات والدین به شکل چشمگیری، تحصیل کودکانی را افزایش می‌دهد که در سن مدرسه قرار دارند. استراوس و توماس (2015) جدا از تأثیر درآمد خانواده، بر این باورند که تحصیلات والدین نقش مهم و پایداری در کاهش کار کودکان دارد. همین‌طور نتایج تحقیق نشان می‌دهد اگر والدین کودکان تحصیل کرده باشند، در درآمدت میزان نیروی انسانی ماهر در جامعه افزایش می‌یابد. از نظر بوس (2013)، والدین کودکان خیابانی درآمد پایینی داشتند و ۶۰/۴ درصد پدرانشان کولی یا کارگر روزمزد بودند. در بسیاری از موارد مادران این کودکان زنده‌اند و در خانه یا بیرون از خانه با درآمد پایین، مشغول به کارند. بیشتر کودکان مخارج زندگی را با کارکردن به دست می‌آورند. کودکان در فصل‌های مختلف سال، شغل‌های متفاوتی دارند و در روز ۸ تا ۱۰ ساعت کار می‌کنند.

برخلاف تصورات موجود که کودکان کار افرادی بی‌سرپرست، فراری، بی‌سرنه و... محسوب می‌شوند، نتایج نشان می‌دهد بیشتر این کودکان پشته‌های خانوادگی دارند و با اطلاع خانواده خود و به توصیه آنها یا به‌صورت مستقل از خانواده، به کار روی می‌آورند و شب‌ها به خانه و کاشانه خود بازمی‌گردند. مطالعات گوناگونی در کشورهای کلمبیا، برزیل، کاستاریکا و مکزیک نشان می‌دهد ۹۰ درصد از کودکان خیابانی، تماس خود را با خانواده‌شان حفظ کرده‌اند (Aptekar, 2000).

این نکته در تمام مصاحبه‌های انجام‌گرفته و کدهای استخراج‌شده از این مصاحبه‌ها نیز تأیید شده است. شایان ذکر است تمام کودکان مطالعه‌شده در این تحقیق، پشته‌های خانوادگی داشته‌اند و آنچه در تعاریف آژانس‌های بین‌المللی درباره کودکان کار آمده است، در این تحقیق و در مصاحبه‌های این تحقیق وجود ندارد، بلکه آنچه ما با آن روبه‌رویم، پدیده کار است؛ یعنی ما با کودکانی مواجهیم که خانه و خانواده دارند، ولی بیشتر وقت خود را در جاهای

ذکر می‌کند. نظریه فرهنگ فقر لوئیس (2016) و فرضیه‌های اصلی آن، ابتدا بی‌سرپرستی یا رهاشدگی این کودکان (توسط خانواده‌هایشان) و دوم کار کودکان خیابانی را به فقر مربوط می‌داند و در نتیجه فقر را رهاشدگی منفعلانه به حساب می‌آورد. همچنین در سومین مورد، کودکان خیابانی را حاصل مهاجرت از روستا به شهر و پیامدهای گسیختگی و فروپاشی ساخت خانواده می‌داند. در نتیجه این شرایط، فراموش‌شدگی و به حال خود گذاشتن کودکان، منفعلانه است. چهارم اینکه کودکان خیابانی از خرده‌فرهنگ‌های شهری بسیار حاشیه‌ای و منحرف برخاسته‌اند که این مؤید یافته‌های پژوهش است.

نتایج پژوهش پیشنهادها کاربردی، به شرح ذیل است: شناسایی وضعیت خانواده‌های کودکان کار برای ارائه کمک‌هایی به منظور رفع بحران در محیط خانوادگی آنها، ارائه خدمات مورد نیاز (آموزشی، بهداشتی، مشاوره‌ای، آموزش مهارت‌های تربیت فرزند و...) به خانواده‌های کودکان کار با توجه به اینکه بیشتر این کودکان با خانواده زندگی می‌کنند، شناسایی و تحت پوشش قرار دادن خانواده‌های مهاجر نیازمند، در زمینه خدمات درمانی و تأمین اجتماعی، حمایت مالی و رفاهی از خانواده‌هایی که فقط به علت فقر موجود در خانواده، کودک خود را به منظور کسب درآمد برای خانواده به کارکردن تشویق می‌کنند، مهارت‌آموزی به والدین کودکان به منظور ارتقای توانایی آنها برای کسب شغل مناسب تا از این طریق کودکان این‌گونه خانواده‌ها به کارکردن مجبور نشوند، ایجاد اشتغال برای حداقل یکی از اعضای خانواده‌های فقیر به منظور پیشگیری از احتیاج خانواده به کسب درآمد توسط کودک، تخصیص حمایت مالی از خانواده‌های فقیر به منظور تضمین حضور کودکان این خانواده‌ها در فرایند آموزش‌های رسمی. به پژوهشگران آتی نیز پیشنهاد می‌شود این پژوهش را در دیگر شهرهای کشور و جامعه آماری کودکان کار انجام دهند. مطالعات تطبیقی در این موضوع نیز باید با دیگر کشورها انجام شود. پیشنهاد می‌شود که به خانواده‌های کودکان کار و خیابان مراجعه شود تا علت اصلی کار کودکان دانسته شود. همچنین محققان بعدی در پژوهش خود باید دیگر عوامل مؤثر بر گسترش پدیده کودک کار را با روش‌های

شانس کمی برای کسب شغل مناسب بهره‌مند می‌کند. ضمن آنکه آنها را از توانایی حذف چرخه فقر و استثمار در زندگی‌شان محروم می‌کند.

در نهایت باید پذیرفت که ایران مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه، با مشکلات اقتصادی-اجتماعی متعدد و آثار جانبی آن مانند ظهور و بروز پدیده کودک‌ان کار و خیابانی مواجه است. کتمان این مسئله، اطلاع‌رسانی نکردن درباره وضعیت این کودکان، انتشار آمارهای نادرست راجع به تعداد این افراد و اتخاذ رویکردهای ضربتی و بدون برنامه‌ریزی، ضمن اختصاص بودجه‌ای سنگین که موجبات سوءاستفاده و انحراف از مسئله اصلی را فراهم می‌کند، نه تنها به حل این معضل اجتماعی کمکی نمی‌کند، به نوعی فرافکنی و برون‌رفت از این وضعیت منجر می‌شود و سامان‌دهی و حل مسئله کودکان کار را با مشکل مواجه می‌کند؛ بنابراین لازم است مسئولان با توجه به علل شناسایی شده در پژوهش حاضر، تمهیدات لازم را برای از بین بردن و یا کاهش این معضل اجتماعی ببندیشند.

نظریه آسیب‌شناسی اجتماعی، مسائل اجتماعی را نتیجه بیماری جامعه و اختلال در کارکردهای نهادهای آن می‌داند. طبق یافته‌های این پژوهش، اعتیاد، نداشتن امنیت مالی، خشونت خانوادگی، مهاجرت، از هم پاشیدگی سازمان اجتماعی خانواده، تحصیلات، وجود خرده‌فرهنگ کار در شبکه خانوادگی، ضعف بنیادهای حمایتی و خدماتی، علل ایجاد و گسترش پدیده کودک‌ان کار در شهرستان مهرستان است که در نتیجه باعث بیماری جامعه و همچنین اختلال در کارکردهای آن می‌شود. همچنین در نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی، از جمله نظریه آنومی مرتن و نظریه نبود تعادل ساختاری پارسونز، عوامل ساختاری هم‌سو است که مانع از انطباق و سازگاری گروه‌ها و اقشار اجتماعی یا خرده‌نظام‌ها و نهادهای جامعه با تغییرات اجتماعی و محیطی سریع می‌شوند و نبود تعادل ساختاری را به وجود می‌آورند. بانک جهانی در مطالعات اخیر خود، فقر را فقط به فقدان درآمد یا کمبود آن معطوف نمی‌داند، بلکه ابعاد مهم دیگری را به عنوان ترس از آینده، نگرانی فقرا از سقوط بیشتر و از دست دادن حداقل‌ها

دیگر بررسی کنند.

اجتماعی، ۱ (۲۸)، ۱۱۵-۱۵۸.

حسینی ح. (۱۳۸۴). وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران.

رفاه اجتماعی، ۵ (۱۹)، ۱۷۴-۱۵۵.

خبرگزاری جمهوری اسلامی. (۱۳۹۵). کودکان شغل‌های سیاه در سیستان و بلوچستان / معضلی پرچالش در افزایش آسیب‌های اجتماعی، تاریخ ۱۹ خرداد ۱۳۹۵،

<https://www.irna.ir/news/82105239>

خبرگزاری دانشجویان ایران. (۱۴۰۰). میانگین سن ازدواج و طلاق در سیستان و بلوچستان چقدر است؟ ۸ دی ۱۴۰۰

<https://www.isna.ir/news/1400100805275>

خبرگزاری دانشجویان ایران. (۱۳۹۶). بازگشت به تحصیل بیش از ۴۸۰۰ دانش‌آموز بازمانده از تحصیل «مهرستان» سیستان و بلوچستان. ۱۸ مهر ۱۳۹۶،

<https://www.isna.ir/news/96071809503>

دانا، ف. (۱۳۹۰). واکاوی کار کودکان در ایران. رفاه اجتماعی، ۷ (۷)، ۲۴۸-۲۳۱.

ستوده، ه. ا. (۱۳۹۶). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، تهران: انتشارات ندای آریانا.

سورزهی، م. (۱۴۰۱). واکاوی عوامل اجتماعی مؤثر بر پدیده کودکان کار در شهرستان مهرستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور بجنورد.

عاشوری، م. ر. (۱۳۹۰). کودکان رنج و کار. ماهنامه اندیشه جامعه، ۷، ۲۷-۲۰.

عظیمی‌فر، ه. (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر کار کودکان در شهر یاسوج و حومه در سال ۱۳۹۱. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور استان تهران.

کلانتری، ص. و کیانی، م. (۱۳۸۵). بررسی تطبیقی کار کودکان در کشورهای پیشرفته و جهان رو به توسعه. اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۲۳۲ و ۲۳۱، ۲۹۵-۲۸۲. مرادی‌بیدهندی، ی. (۱۳۹۹). مطالعه تجربیه

زیسته کودکان کار نسبت به کارشان؛ مطالعه موردی شهر کاشان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علم و فرهنگ تهران، دانشکده علوم انسانی.

منابع فارسی

آرومنندی، م. (۱۳۹۰). بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های خانوادگی - اجتماعی کودکان خیابانی و غیر خیابانی. پایان‌نامه مقطع کارشناسی دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.

آقاجان، ا. (۱۳۹۵). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر پیدایش کودکان کار در شهر تهران سال ۹۵، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم اجتماعی.

ابراهیمی‌نیا، م؛ ابراهیمی‌نیا، م. و عزیزی، م. (۱۳۹۶). مقایسه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصرف‌کنندگان متامفتامین با اپیوئید در مرکز ترک اعتیاد: مطالعه موردی. پژوهش‌های سلامت‌محور، ۳ (۱)، ۲۴-۱۳.

اسکندری‌نژاد، ع. (۱۴۰۰). کودکان کار و تحصیل مدرسه‌زدایی‌شده؛ بررسی جامعه‌شناختی مدرسه کودکان کار صبح رویش. شبک، ۷ (۶)، ۲۴۲-۲۳۵.

افشانی، س. ع؛ عسگری ندوشن، ع؛ حیدری، م. و نوریان نجف‌آبادی، م. (۱۳۹۱). تحلیلی بر وضعیت کودکان خیابانی و کار در شهر اصفهان. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۳ (۴)، ۱۰۲-۸۵.

اعزازی، ش. (۱۳۸۰). خشونت خانوادگی یا زنان کتک‌خورده. تهران: سالی.

امیری، ا. (۱۳۹۵). تحلیل جامعه‌شناختی تجربه زیسته کودکان کار خیابانی افغان در شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه خوارزمی.

اندکی فشمی، ز. (۱۳۹۵). بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر کودکان کار خیابان (مورد مطالعه: کودکان کار شهر رشت). پایان‌نامه کارشناسی ارشد مؤسسه آموزش عالی البرز.

پیرخندان، پ؛ پروین، س. و سیاهپور، ف. (۱۴۰۰). گونه‌شناسی کار کودکان و آسیب‌های ناشی از آن بر کودکان کار در شهر تهران. پژوهشنامه مددکاری

- Andaki Fashtami, Z. (2015). *Investigating the sociological factors affecting street children (Case Study: Working children of Rasht)*. Master's thesis of Alborz Institute of Higher Education. [In Persian]
- Aptekar, L. (2000). *Street children in the developing world: Review of their condition*. Retrieved from www.international-social-work.org/iss.htm.
- Arezumandi, M. (2016). *Comparative study of social family characteristics of street and non-street children*. Master's thesis of Allameh Tabatabai University, Faculty of Psychology and Educational Sciences. [In Persian]
- Ashuri, M. R. (2011). Children of suffering and work, *Andiseh Jamia Monthly*, 7, 20-27. [In Persian]
- Azazi, Sh. (2008). *Family violence or battered women*, Tehran: Sally. [In Persian]
- Azimifar, H. (2013). *Investigating the social and economic factors affecting children's work in Yasuj city and suburbs in 2013*, Master's thesis of Payam Noor University, Tehran province. [In Persian]
- Binayak, P. (2015). *Child labour legislation: A national trend*. Golden research thoughts.
- Bos, A.B. (2013). The disadvantaged urban child in india. *International Labour Office*, CH-1211 Genva22, Switzerland.
- Brukhavo, D., & Barkhatov, E. (2001). Street Children in Mosco. www.ILO.org.
- Cho, S-H., Fang, X., Tayur, S., & Xu, Y. (2019). Combating child labor: Incentives and information disclosure in global supply chains. *Manufacturing & Service Operations Management*, 21(3), 692-711.
- Chukwudeh, O. S., Akpovire, O. (2021). Liminality and Child Labour: Experiences of School Aged WorkingChildren with Implications for Community Education in Africa. *Social Sciences* 10(3), 2-17. <https://doi.org/10.3390/socsci10030093>.
- Clark, D. M., Ehlers, A., Hackmann, A., McManus, F., Fennell, M., Grey, N., Waddington, L., & Wild, J. (2006). Cognitive therapy versus exposure and applied relaxation in social phobia: A randomized controlled trial. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 74(3), 568-578. <https://doi.org/10.1037/0022-006X.74.3.568>
- Dana, F. (2003). Analyzing child labor in Iran. *Social Welfare*, 2(7), 248-231. [In Persian]
- Dammert, A. C., De Hoop, J., Mvukiyehe, E. & Rosati, F. C. (2018). Effects of public policy on child labor: Current knowledge, gaps, and implications for program design. *World development*, 110, 104-123.
- Ebrahiminia, M., Ebrahiminia M., & Azizi, M. (2017). Comparison of demographic characteristics of methamphetamine versus opioid users in the addiction treatment center: A Case Study. *Health_Based Research*, 3 (1), 13-24. [In Persian]
- Emerson, P. M., & Souza, A. P. (2008). Birth order, child labor, and school attendance in Brazil. *World Development*, 36(9), 1647-1664.
- محرمی، ف. (۱۳۹۷). آسیب اجتماعی کودکان کار و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی کلان‌شهرها. خبرگزاری مهر، تاریخ درج ۲۷ بهمن ۱۳۹۷، تاریخ دسترسی ۱۴۰۲/۳/۵. <https://www.mehrnews.com/news/4543936/>
- مقدم، م. ح؛ ملتفت، ح. و حزب‌اوی، ع. (۱۴۰۱). کاوشی در فرآیند شکل‌گیری پدیده کودکان کار خیابانی و پیامدهای آن در شهر اهواز. *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۱۲ (۴۳)، ۱۵۸-۱۳۱.
- مقدس جعفری، م. ح؛ ویس‌نژاد، ن. م. و درستی، ا. ع. (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر پیدایش و گسترش پدیده کودکان کار- مطالعه موردی شهر اهواز. *نشریه علوم اجتماعی*، ۷ (۲۱)، ۷۲-۵۵.
- ملتفت، ح؛ شهریاری، م. و حزب‌اوی، ع. (۱۳۹۹). تحلیل وضعیت و پیامد عادت‌واره‌های کودکان از کار در خیابان با رهیافت نظریه داده‌بنیاد. *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، ۷ (۲۵)، ۷۰-۳۱.
- وامقی، م. (۱۳۹۴). کار کودک، مفاهیم و رویکردها. *رفاه اجتماعی*، ۲ (۸)، ۲۴۶-۲۳۱.
- وامقی، م؛ روشنفکر، پ؛ دژمان، م؛ رفیعی، ح. و ستاره‌فروزان، آ. (۱۳۹۴). بررسی ترکیبی و ارزیابی سریع وضعیت کودکان خیابانی و ویژگی‌های کار آنان در تهران. *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۶ (۲)، ۴۱۶-۳۹۱.
- همشهری آنلاین. (۱۴۰۱) *آمار رسمی و غیررسمی کودکان کار در ایران چقدر است؟*. <https://donya-e-eghtesad.com> تاریخ درج ۱۴۰۳/۳/۲۲، تاریخ دسترسی ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

References

- Afshani, S., Askari-Nodoushan, A., Heydari, M., & Noorian Najafabadi, M. (2013). An analysis of the street-children phenomenon in the city of Isfahan. *Journal of Applied Sociology*, 23(4), 85-102. [In Persian]
- Aghajan, A. (2015). *Investigating social factors affecting the emergence of working children in Tehran in 1995*. Master's thesis of Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Faculty of Social Sciences. [In Persian]
- Amiri, A. (2015). *Sociological analysis of the lived experience of Afghan street working children in Isfahan city*. Master's thesis of Khwarazmi University. [In Persian]

- 27 February 2017, access date 3/5/1402. [In Persian]
- Moghadam, M. H., Moltfat, H., & Hizbawi, A. (2022). An exploration of the formation process of the phenomenon of street children and its consequences in the city of Ahvaz. *Urban Sociological Studies*, 12(43), 131-158. [In Persian] DOI: 10.30495/USS.2022.696864
- Moghadas Jafari, M. H., Weisnejad, N. M., & Darishti, A. A. (2012). Investigating factors affecting the emergence and spread of the child labor phenomenon - a case study of Ahvaz city. *Journal of Social Sciences*, 21, 55-72. [In Persian]
- Moltaft, H., Shahriari, M., & Hezbawi, A. (2020). Analysis of the situation and consequences of children's habits of working on the street Foundation Data Theory. *Journal of Social Work Research*, 7(25), 31-70. [In Persian] doi: 10.22054/rjsw.2021.63222.523
- Pirkhandan, P., Parvin, S., & Siahpour, F. (2021). Typology of Child labour and work-related injuries to working children in Tehran. *Journal of Social Work Research*, 8(28), 115-158. [In Persian] <https://doi.org/10.22054/rjsw.2022.61472.502>
- Sotoudeh, H. A. (2016). *Sociology of Iran's social issues*, Tehran: Neday Ariana Publications. [In Persian]
- Sadabadi, A. A., & Fehri, F. (2021). A pathological study of children of work in the city of Tehran, using a Fuzzy approach. *Urban Sociological Studies*, 10(37), 29-58. [In Persian]
- Shtrows, J., and Thomas. D. (2015). How Does Mother's Education Affect labour children? *Journal of Human Resources*, 26(2), 183-211.
- Surezhi, M. (2022). *Analyzing social factors affecting the phenomenon of working children in Mehrestan city*, Master's thesis, Payam Noor University, Bojnord. [In Persian]
- Vameghi, M., Roshanfekar, P., Dejman, M., Rafie, H., & Forouzan, A. (2015). An assessment of street children and their working characteristics in Tehran. *Journal of Social Problems of Iran*, 6(2), 391-416. doi: 10.22059/ijsp.2015.58570 [In Persian].
- Vameghi, M. (2003). Child Labor: Concepts and Approaches. *Refahj*, 2(8), 231-26. [In Persian]
- Online Citizenship. (2022) *What is the official and unofficial statistics of working children in Iran?* <https://donya-e-eqtesad.com>. Date of insertion 22/3/1400, date of access 11/12/1401. [In Persian]
- Zsögön, M. C. (2021). Discourse analysis around the issue of child labour in the Global South. *Language, Discourse & Society*, 9(1), 95-105.
- Eskandari-Nejad, A. (2022). Deschooled working and studying children; sociological investigation of sobh roish kar children's school. *Shabak*, 7(6), 242-235. [In Persian]
- Geovani, I., Nurkhotijah, S., Kurniawan, H., Milanie, F., & Ilham, R N. (2021). Juridical Analysis of Victims of the Economic Exploitation of Children Under The Age to Realize Legal Protection From Human Rights Aspects: Research Study At The Office of Social and Community Empowerment In Batam City. *International Journal of Educational Review, Law and Social Sciences (IJERLAS)*, 1(1), 45-52.
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1982). Epistemological and methodological bases of naturalistic inquiry. *Ectj*, 30(4), 233-252.
- Hosseini, H. (2006). The conditions of work and street children in Iran. *Refahj*. 5(19), 155-174. [In Persian]
- Ibrahim, A., Abdalla, S. M., Jafer, M., Abdelgadir, J., & De Vries, N. (2019). Child labor and health: a systematic literature review of the impacts of child labor on child's health in low-and middle-income countries. *Journal of public health*, 41(1), 18-26.
- Iran Students News Agency. (2022). *What is the average age of marriage and divorce in Sistan and Baluchistan?* 8 January 1400, In Persian <https://www.isna.ir/news/1400100805275>
- Iran Students News Agency. (2016). *Returning to education of more than 4800 students left from "Mehrestan" education in Sistan and Baluchistan*, October 18, 2016. In Persian
- Islamic Republic News Agency. (2015). *Children of undeclared jobs in Sistan and Baluchistan/ a challenging problem in increasing social harms*, June 19, 2015. In Persian
- Khanam, R. (2005). Child Labour in Bangladesh: Trends, Patterns and Policy Options. *Asian Profile*, 34(6), 593-608.
- Kalantari, A. H., Roshanfekar, P., Nasr Isfahani, A., & Aram, E. (2012). *Social policy making in the face of the phenomenon of children working on the streets*, Tehran Center for Studies and Planning: Report No. 171. [In Persian]
- Lam, D., & Cheng, F. (2008). Chinese policy reaction to the problem of street children: An analysis from the perspective of street children. *Children and Youth Services Review*, 30(5), 575-84.
- Li, T., & Sekhri, S. (2020). The spillovers of employment guarantee programs on child labor and education. *The World Bank Economic Review*, 34(1), 164-178.
- Moradibidhandi, Y. (2019). *Studying the lived experience of working children regarding their work: A case study of Kashan city*. Master's thesis of Tehran University of Science and Culture, Faculty of Humanities. [In Persian]
- Moharrami, F. (2017). *The social damage of working children and its effect on the social security of metropolises*, Mehr news agency, date of insertion

